

توانا بود هر که دانا بود

کتاب دوم ابتدایی

حق چاپ محفوظ

۱۳۲۴

چاپخانه کیهان

حالا که بکلاس دوم آمده ایم همه میتوانیم
 بخوانیم و بنویسیم . در این کلاس هم قصه های
 خوش مزه و چیزهای تازه یاد میگیریم -
 نقاشی میکنیم - سرود میخوانیم و آن قدر خوب
 درس میخوانیم که آموزگار و پدران و مادران
 ما از ما راضی بشوند .



نخستین روز درس

L 4578

96

به به چه روز خوشی است . خدا را شکر همه

بدرسا و همبازیهای پارسال باز بیک کلاس

آمده ایم . پارسال وقتی بدبستان آمدیم نمیتوانستیم

بخوانیم نمیتوانستیم بنویسیم . در کلاس اول خواندن

و نوشتن و کمی حساب یاد گرفتیم هم درس خواندیم

و هم بازی کردیم . حالا که در کلاس دهم

فروشنده قند را کشید و بطری را از سر که
 پر کرد قند و بطری را پدروم داد و پولش را
 گرفت و گفت : خوش آمدید .
 قند را من بخانه آوردم و بطری سر که را
 پدروم آورد .

۱ - پرسش — وقتی برای خرید معاره بی میروید صاحب معازه شما
 چه میگوید ؟ - شما صاحب معاره چه میگویید ؟ چرا بطری سر که را پدر
 منزل آورد و قند را پدرش ؟

۲ - این کلمات را که روی تخته سیاه نوشته شده چید بار با مداد بنویسید . (۱)
 مغاره - يك كيلو گرم قند - يك بطری سر که - فروشنده قند را کشید .

۳ - ناری پرسش و پاسخ مشتری و کاسب (چه میفروشی ؟ قیمت
 آن چیست ؟)

۴ - رونویسی - درس را با خط خوب و با مداد يك بار بنویسید (یادتان
 برود که دندانه ها و نقطه های روی حرفها را نگذارید) .

(۱) کلمات داده درس را روی تخته سیاه نوشته شود



۱ - مشاهده شکل - در آن شکل چه می بینید ؟

۲ - گفتگو در خصوص شکل و رنگ و مره قند و صابون و همچنین

در خصوص ترازو و سنج کیلو (۱)

مغازه خوار بار فروشی

دیروز با پدرم بیک مغازه خوار بار فروشی

رفتم صاحب مغازه جاو آمد و پرسید : آقا چه

میل دارید ؟ پدرم گفت خواهش دارم (۲) یک

کیلو گرم قند و یک بطری سرکه بمن بدهید .

(۱) آموزگار ترازو و سنج را نشان دهد - اطفال برای دریافته وزن کیلو نخست سنج را در دست گرفته و بر وزن آنرا دریاسد سپس در ترازو بهند و چهره های محاسب (بخود - از بالا - رنگ . .) بکشند .
(۲) سعی شود که نوآموزان با الفاظه بیج و مؤدب ناکسبها حرف بزنند

غذای خوشمزه^۷

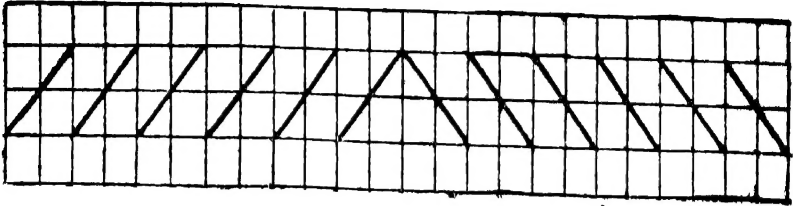
دیشب پدرم زود بخانه آمد. ماهمه منتظر او
 بودیم. برادر کوچکم جلو دوید. پدرم او را بلند کرد
 و نوازش داد مادرم شام را حاضر کرد. همه سر
 سفره نشستیم. هر کس ظرف خود را پیش برد و مادرم
 قمت او را داد. خواهر من خیلی از غذای دیشب
 خوشش آمد. قمت خودش را زودتر از دیگران تمام
 کرد. دوباره بشقابش را نزدیک برد و گفت مادر
 جان عجب غذای خوشمزه ای است دوباره بشقاب مرا

پر کن سید:

۱- بازگویی حکایت - این حکایت را یک بار برای شاگردان خود بگوئید
 (جلد ۱ کلاس راست بایستید و شاگردان نگاه کنید و بشنوید و در ساحف زینبید
 ۱- آموزگار در اجرای این دستور بسیار وقت کند.

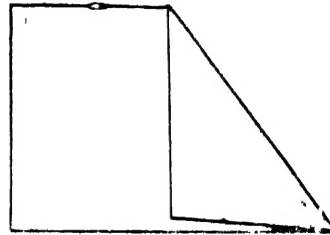
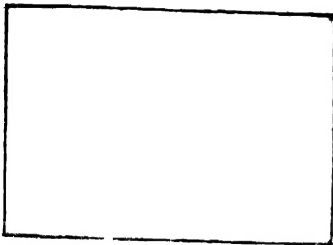
۲- آموزگار این کلمات و عبارات را: منتظر - نوازش - حاضر - ظرف غذا -
 خوشمزه - پدرم او را نوازش داد - عجب غذای خوشمزه ای است بچخط تسلیق روی
 تخته سیاه بنویسد تا آن آموزان پنج بار از روی آن در دستور چه خود بنویسند.

رسم



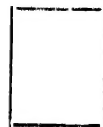
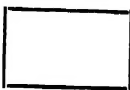
در روی کاعد شطرنجی ماسد این خط های مایل بکشید.

کار دستی



۱. مطابق شکل دست چپ از کاعد برید ۲. مطابق شکل دست راست
ناکسید و برید تا يك مربع و دو سه گوشه بدست آید.

این شکلهای را بکشید :



رفتم سفره را آوردم روی میز پهن کردم ظرفها
را از گنجه بیرون آوردم و برای هر نفری دو
بشقاب و دو قاشق و دو چنگال و یک کارد گذاشتم
ظرف نان و تنک آب و پیاله آبخوری را هم
روی میز بجای خود گذاشتم بعد با خوشحالی
بمادرم خبر دادم که سفره حاضر است.

- ۱ - پرسش - عزیزه از مادرش چه خواست ؟ - آیا مادرش با اجازه داد که سفره بچید ؟ - عزیزه چطور سفره را چید ؟
- ۲ - این کلمات را که روی تخته سیاه نوشته شده است چند بار بنویسید (کتیف - آسوده - طوری - طرف نان - بشقاب - سفره حاضر است)
- ۳ - بازی - یکی از کودکان میر غدا را می چید دیگران می گویند او چه میکند (۱) سفره می چید - او بشقاب می آورد - کارد و چنگال را بهلوی بشقاب میگذارد .)
- ۴ - از روی این سر مشق چند بار با مداد بنویسید

مادر جان اجازه بدهید منغذارا من بخنم



۱ - مشاهده شکل - در این شکل چه می بینید ؟
 ۲ - گفتگو - در حوض شکل و رنگ و حس بشقاب - فایده هر یک
 از ظروف غذا خوری (بشقاب - کاسه - کارد - چنگال - قاشق ...) .

میز غذا را من می چینم

عزیزه - مادر جان امروز که روز جمعه است
 اجازه بدید میز غذا را من بچینم .
 مادر - عیبی ندارد بشرط اینکه چیزی نشکنی
 و سفره را کثیف نکنی .
 عزیزه - آسوده باشید همه چیز را طوری
 می چینم که شما پسندید .

بگوشت میرسد .

در شهرهایی که کارخانه هست صبح رود
کارخانه ها سوت میزنند .

میدانید سوت کارخانها چه میگویند ، میگویند ای
کارگران وقت کار است : کار کنید کار کنید .

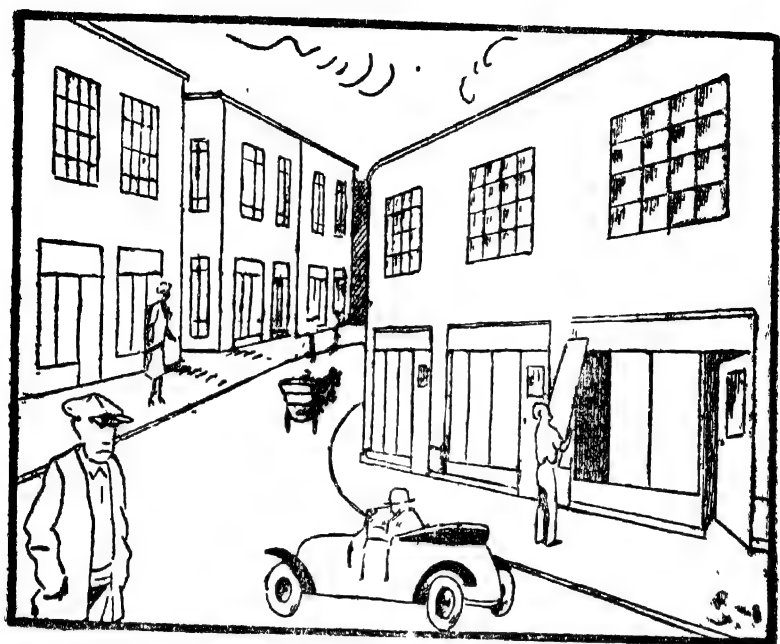
۱ - پرسش - میدانید سوت کارخانه چه میگوید ؟ - میدانید
رنگ دسان چه میگوید ؟ - میدانید که اتومبیل برای چه بوق میراند ؟ - میدانید
که بوق کردها برای چه فریاد میرسد ؟

۲ - دوس دادن صداها - صداهایی را که در کلاس میسویند
همچین صداها را که در کوچه میشنوند خوب گوش دهید و بعد بگویند
(مثلاً در کلاس من صدای حریحیر قلم را موقع نوشتن میشنوم - صدای گنج را
روی بتمه سیه میشنوم - در کوچه بوق اتومبیل و فریاد دوره گرد ها
را میشنوم)

۳ - گردش در شهر - درصحن گردش اعمال (گردش کردن ایستادن
- نگاه کردن - عبور کردن را از راه عمل یاد دهید من گردش میکنم - او
میایستد - ما معاره ها نگاه میکنیم)

۴ - از روی سرمشق زیر نامداد چند بار نویسد

میدانید سوت کارخانه چه میگوید میگویند ای کارگران وقت کار است :
کار کنید کار کنید



مشاهده شکل - در این شکل چه می بینید؟ - کارهريك ار آدمهارا بگويد

صداهاى كوچه و خيابان

صبح زود رفت و آمد در كوچه ها و خيابانها
شروع ميشود مغازه ها و دكانها را باز ميكند.
كارگران كارخانه ها و ساختمانها بسر كار خود
ميروند درشكه ها و اتومبيلها از هر طرف
راه مى افتند.

صدای پای اسبها و صدای بوق اتومبیلها



زمین و آسمان

ما در شهر خانه داریم برای کار و گردش
از خانه خود بیرون می‌آیم خیابانها و کوچه
ها و خانهای دیگران را می‌بینیم خانه‌ها
بهم‌دیگر چسبیده و کوچه‌ها و خیابانها بهم راه
دارد در خیابانها مردم از پیاده رو آمد و رفت
میکند در شگه‌ها و اتوبیلها در وسط خیابان
حرکت می‌کنند.

سه دزد

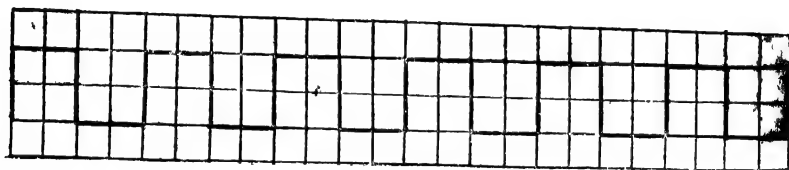
دو نفر دزد خری دزدیدند

سر تقسیم بهم جنگیدند

آن دو بودند چو گرم زد و خورد

دزد سوم خرشان را زد و برد

۱ - رسم - ماسه این شکل روی کاغذ شطرنجی بکشید



شبها گرمی هوا کمتر از روز است . روز همه کار میکنیم و شب میخوانیم . (۱)

- ۱ - پرسش - در شهر چه می بینید ؟ - همسایه های شما کیستند ؟ آیا خانه شما بخانه آنها چسبیده است ؟ - پیاده رو چیست ؟ - در صحرا چه می بینید . بعضی از چپرها نمکه در راه خود می بینند بگویند ؟ - روز در آسمان چه می بینید ؟ شب در آسمان چه می بینید ؟ - آیا شب همیشه تاریک است ؟ - وقتی بدستان می آید آیا در پیاده رو راه میروید یا از وسط خیابان میگذرید ؟ - چرا ؟
- ۲ - این لغات و اصطلاحات را که روی بخته سیاه نوشته شده نام برد : پرونگ - بویسید - پیاده رو - صحرا - سره - درشکه و اتومبیل - نام این چپرها بر روی زمین قرار دارد - گاهی - ماه و ستارگان
- ۳ - از روی سرمشق زیر با مداد چند بار بویسید .

روز کار میکنیم و شب میخوانیم

- ۱ - و در کلمه میخوانیم حواصده بنمود در تلمط حرف خ را بحرف آ بچسباید .



از شهر که بیرون میرویم صحرا و سبزه
و درخت و جویهای آب می بینیم دهقانها را
می بینیم که در صحرا کار می کنند و گوسفندان
خود را در جاهایی که سبزه و علف است
میچرانند و شب بخانه های خود بر می گردند
در صحرا روی تپه بلندی می ایستیم و شهر را
از دور تماشا می کنیم تمام این چین ها بر روی
زمین است و ما هم روی زمین زندگی می کنیم.



بالای سر خود آسمان را برنگ آبی
می بینیم روز ها خورشید در آسمان پیدا است
و هوا روشن است گاهی که خورشید در پشت
ابر پنهان میشود روشنی هوا کمتر است شب
خورشید را نمی بینیم هوا تاریک است با آسمان
که نگاه می کنیم ساه و ستارگان را می بینیم

موهایم را هم باید خوب شانه کنم مادرش
گفت میخواهی با تو کمک کنم زیبا گفت
نه ممنونم خودم بآینه نگاه میکنم و شانه
میزنم.

در راه دبستان

در راه دبستان زیبا و پروین بهم رسیدند
پس از سلام و احوال پرسی زیبا از پروین
پرسید آیا تو هم از دسته پاکیزگانی ؟ پروین
گفت آری لباسم را بین اگر چه نویست اما
خیلی پاکیزه و تمیز است جورابهایم هم پاك
است و کفشهایم را واكس زده ام در این
وقت پروانه بآنها رسید و چو گفتگوی آنها
را شنیده بود گفت من هم از پاکیزگانم دست
و صورتم را هر روز با آب و صابون میشویم
و گوش و گردنم را درست پاك میکنم.

دسته پاکیزگان

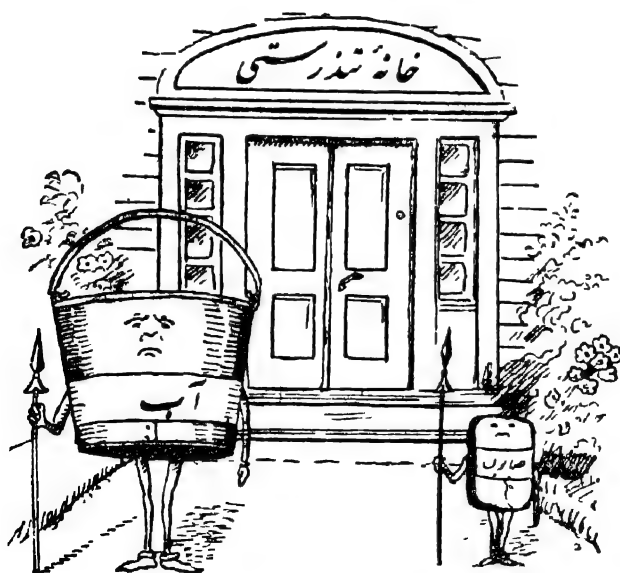
زیبا پیش از رفتن بدبستان بمادرش گفت :
ایا خبر دارید که من از امروز از دسته
پاکیزگانم ؟

مادر گفت دسته پاکیزگان کدام است ؟
زیبا گفت دسته پاکیزگان شاگردانی اند
که همیشه لباسشان پاك و تنشان شسته و
پاکیزه است و من از این دسته خیلی خوشم
می آید امروز لباسهایم همه پاك است دست و
رویم را هم خوب شسته ام خواهش دارم
مادر جان گردن و گوشم را ببینید خوب پاك
شده است یا نه من خودم نمیتوانم بینم مادرش
بسر تاپای او نگاه کرد و گفت صورت و گردن
و گریته و دستایت خوب و پاکیزه است
لباس و جورایت هم پاك است زیبا گفت

بچه هایی که از دسته پاکیزگان هستند :

- ۱ - با آب و صابون دست و رو و بدن خود را می‌شویند .
- ۲ - دستهایشان پاکیزه است .
- ۳ - صورتشان تمیز است .
- ۴ - گردن و گوششان پاک است .
- ۵ - موی سرشان شانه زده است .
- ۶ - جورابهاییشان پاک است .
- ۷ - کتشیهایشان پاک و براق است .
- ۸ - رختهایشان هم پاک است .

آیا شما از دسته پاکیزگان هستید؟ - چرا؟



هر سه زود رو بدبستان نهادند در راه
 بجمشید بر خوردند و هر سه با هم گفتند این هم
 یکی از دسته پاکیزگان است پروین گفت
 کفشهای براقش را بینید زیبا گفت موهای
 شانه زده‌اش را تماشا کنید خود جمشید گفت
 ناخنهای پاک و پاکیزه‌ام را هم بینید همه از این
 گفتگو بخنده آمدند و خندان و شاد بدبستان
 رسیدند.

۱ - پرسش - دسته پاکیزگان چگونه هستند؟ - چرا زیبا مادرش
 گفت مادر جان گوش و گردنم را ببینید خوب پاک شده است یا نه؟ - چرا
 زیبا بحواس که مادرش در شاه کردن مو، او کمک کند؟ - شما دستهایتان را
 روزی چند مرده میشوید؟ - چرا؟ - هفته‌ای چند بار حمام میروید؟ - با آب
 گرم شست و شوی میکشد یا با آب سرد؟ - آیا موهایتان را هر روز شاه میکنید؟
 آیا ناخنهایتان را میکشید یا میکدارید، بلند شود؟ - چرا؟

۲ - از روی این سر مشق با مداد چند بار بنویسید

دست و صورت را هر روز با آب و صابون بشویم و گوش و گردن را بدقت پاک میکنیم

غروب وقتی که هوا تاریک شد مادر من
کبریت را بقوطی کبریت میکشد و چراغ را
با آن روشن میکند و بعد لوله و حباب را روی
چراغ میگذارد.

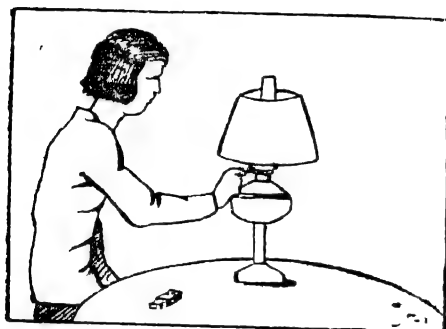
مادرم گفته است جائیکه نفت یا بنزین
هست چراغ روشن نکنم.

- ۱ - تکلیف - این کلمات را که روی تخته سیاه نوشته شده است
چند بار بنویسید (حباب . نفت - غروب - محکم - قوطی - کبریت - فتیله.)
- ۲ - رونویسی - تمام و یا قسمتی از درس را با خط خوب و مداد پررنگ
بنویسید (یادتان نرود که دهانه ها و مبطه های روی حرمها را نگذارید.)
- ۳ - بازی - یکی از کودکان چراغ را حاضر و مرتب میکند سایرین
حرکات و اعمال او را يك يك میگویند (شیدا چراغ را بك میکند
شیدا حباب و لوله بلند میکند . .)

۴ - از روی این سرمشق با مداد چند بار بنویسید :

جایی که نفت یا بنزین هست کبریت روشن نکن

دراين شكلها چه مي بينيد ؟

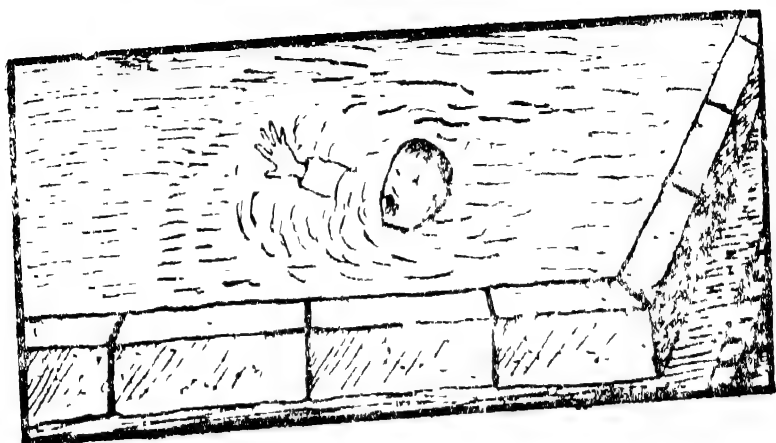


آفتگون در خصوص چراغ
ميدانيد چراغ از چند قسمت
درست شده ؟ - (پايه - انبار -
فتيله - سرپيچ - لوله - حباب)
فايده هر يك کدام است ؟

چراغ

هر روز صبح مائدر من چراغ را پاك
ميكند اول حباب و لوله آنرا بلند ميکند و
آهسته بزمين ميگذارد. بعد سرپيچ را باز ميکند
و انبار چراغ را پراز نفت ميکند دوباره سرپيچ
را روي انبار ميگذارد و پيچ ميدهد تا محکم
بشود.

آموزگار از شاگردان پرسید آیا مداد برای
خوردن خوب است؟ زیور خندید و گفت نه مداد
خوردنی نیست آموزگار گفت پس چرا بعضی از
شما مدادتان را بدمانتان میسبرید؟ مگر نمیدانید
که سرمداد کثیف است و چیز کثیف را بدمان نباید
برد باز پرسید مینی را با مداد میتوان پاک کرد؟ خدیجه خندید
و گفت مینی را با دستمال پاک میکنند نه با مداد آموزگار
گفت درست است اما بعضی از شاگردان را می بینم
که مداد را بیهی خود فرو میسوزند و هفت نیستند که نوک
مداد تیز است و ممکن است مینی آنها را زخم بکند
مراد پرسید گوشه را با مداد پاک کنند؟ آموزگار



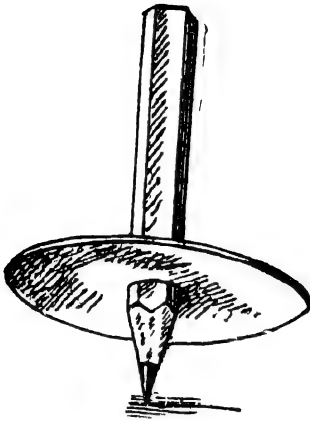
کنار حوض مرو

بعلی گفت مادرش روزی

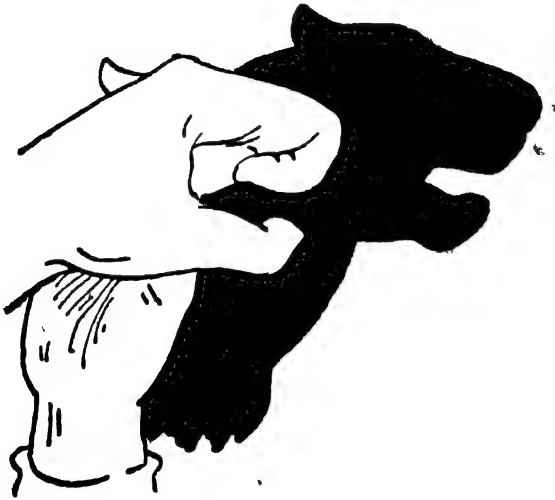
که بترس و کنار حوض مرو

رفت و افتاد ناگهان در حوض

بچه جان حرف مادرت بشنو



کاردهنی - ته‌مداد خود را دور
میندازید - وسط يك صفحه کرد
مقوا را سوراخ کنید و مداد خود را
در آن سوراخ جای دهید تا فرجه
درست شود .



سرگرمی - شب در مقابل چراغ، سایه دست، خود روی دیوار شکل
بلنگ درست کنید .

گفت هرگز این کار را نکنید ^{نوک} نوک مداد تیز است
 و چیز نوک تیز را نباید بگوشش برد مداد برای
 نوشتن است نه پاک کردن و خرااندن گوش و
 بینی گوشش را باید دستمال باید پاک کرد و وقتی که
 مینویسد مواظب باشید که بهیچوقت مداد را با آب
 و دهن تر نکنید با مدادی که منعرش نرم است
 بنویسد تا نوشته شما پررنگ و خوانا باشد و لازم
 نشود که مداد را بدهن برنید .

-
- ۱- پرسش - مداد برای چیست؟ - برای نوشتن چه قسم مداد باید بکار برد؟ -
 چرا بعضی در موقع نوشتن مداد را با آب دهن تری کنند؟ - آیا این کار خوبی است؟ -
 بینی و گوش را چگونه و با چه چیز باید پاک کرد؟
 ۲- گفتگو در باره مداد - شکل خارجی درنگ و قسمتهای مختلف مداد - طرز
 تراشیدن مداد - نرمی و سختی منفر مداد - چه مدادی برای نوشتن بهتر است (نرم)
 یا سخت؟ چرا؟

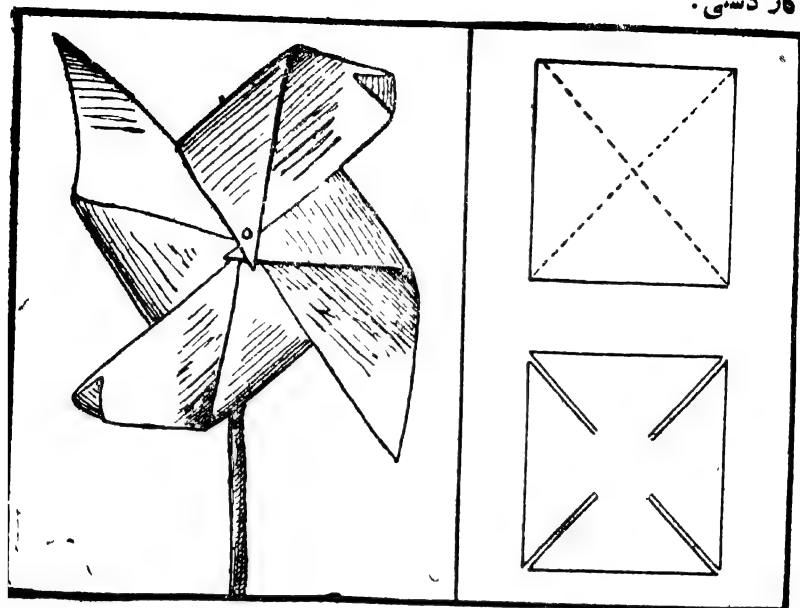
باز کرد خورشید را دید که کم کم پائین
میرود پس از مدتی خورشید از نظر او پنهان
شد و هوارو بتاریکی گذاشت .



فردای آنروز آموزگار از ایران‌دخت
پرسید : شما شب کجا می‌خوابید ، گفت در اطاق
خود می‌خوابم پرسید اطاق خواب شما رو
بکدام سمت است ، گفت نمیدانم اما صبح زود
که خورشید سر می‌زند روشنائیش در اطاق من
می‌تابد و من خورشید را که از پشت کوه بیرون
می‌آید می‌بینم آموزگار گفت اطاق شما
رو بخاور است خاور یا مشرق طرفی است
که خورشید صبح از آنجا سر می‌زند خورشید
بعد از سر زدن رو به ^{ال}ای رود تا ظهر که خوب
بلند میشود بعد از ظهر رو پائین می‌رود و
کم کم پائین تر میرود تا اینکه پنهان می‌شود

خاور و باختر

ایران دخت شب را خوب خواهید صبح
 زود از خواب بلند شد هوا روشن شده بود از اطاق
 خود بیرون آمد و در ایوان ایستاد خورشید
 از پشت کوه آهسته بیرون می آمد و هوا کم کم
 روشن تر میشد ایران دخت درست در برابر
 خورشید ایستاد روشنی خورشید پنجره اطاق
 او تابیده بود ایران دخت روشنایی را بسیار
 دوست میداشت و چون روز تعطیل بود در
 ایوان نشست و بتماشای خورشید مشغول شد
 خورشید کم کم بالا آمد و روشنی و گرما
 بیشتر شد ایران دخت با طاق خود رفت در
 موقع ظهر هوا خیلی گرم بود ایران دخت
 پنجره را بست و پرده را انداخت ظهر که
 گذشت دوباره بایوان آمد دیگر خورشید را
 نمیدید بطرف پنجره دیگر اطاق رفت و آنرا



فرفره چهار پره

- ۱- کاغذ چهار گوشه را برامطابق نقطه چین تا کشید (شکل بالا دست راست)
- ۲- مطابق شکل دوم از گوشه ها تا نزدیک وسط با چاقی ببرید (شکل پایین دست راست)
- ۳- گوشه ها را رایت در میان با سنجاق خوب وصل کنید (شکل دست چپ)

چوپان دروغگو

چوپانی دروغگو گاهگاه بیخود فریاد میکرد:
گرگ آمد گرگ آمد.

مردم هم برای نجات او و گوسفندان بسوی
اومی دویدند ولی میدیدند که گرگی در کار نیست

و ما دیگر آنرا نمی بینیم جایی را که خورشید
عصر در آنجا پنهان میشود باختر یا مغرب
می گویند .

۱ - پرسش - چرا صبحها هوا روشن میشود ؟ - شهابچرا هوا تاریک
است ؟ - شهاب در آسمان چه می بیند ؟ - چرا روز از شهاب روشن تر است ؟
خاور کجا است ؟ - خاور کلاس را نشان دهید - باختر کلاس را نشان دهید.
خاور میر و بیمکت کلاس خود را نشان دهید - باختر میر و بیمکت خود را
نشان دهید - خاور و باختر میر و صمدلی آموزگار را نشان دهید - چه وقت
از روز خورشید خیلی بلند است ؟ - صبح که بدستان می آید خورشید را در کدام
طرف خود می بیند ؟ - طرف خاور و باختر دستان را معین کنید ؟ - کدام
اطاق دستان در طرف خاور است ؟ - کدام اطاق آن در طرف باختر است ؟
۲ - از روی این سر مشق پنج بار نامداد و خط خوب بنویسید :

خاور یا مشرق طرفی است که خورشید صبح از آن سر بمیزد

شمال و جنوب

ایراندخت خیلی خوشحال بود که خاور و باختر را شناخته است و همیشه میگفت اطاق من رو بخاور است يك روز آموزگار در کلاس درس از او پرسید خاور کجا است ؟ گفت خاور طرفی است که خورشید از آنجا بیرون می آید آموزگار رو باحمد کرد و گفت بچه عزیزم تو میدانی باختر کجا است ، احمد با خوشحالی جواب داد آری باختر طرفی است که خورشید آنجا پنهان میشود .

آموزگار پنجره های کلاس را باز کرد صبح بود و خورشید از پنجره بدرون کلاس می تابید آموزگار در کلاس طوری ایستاد که دست راستش بطرف خورشید بود گفت فرزندان عزیزم ببینید که دست راست من بطرف خاور و دست چپ من بطرف باختر است .

۳۰
و چوپان آنها را مسخرہ کرده است .

اتفاقاً روزی گرگ بگلہ زد چوپان فریاد
کشید : گرگ ، گرگ ! مردم ہم گمان کردند باز
دروغ میگوید هیچ کس بگفت او زفت چوپان
تنہا ماند و گرگ گو سفندان اورا پارہ کرد .

۱- سوال - چوپان چه فریاد میزد ؟ - مردم از شنیدن فریاد های او چی
کردند ؟ - آیا چیزی میدیدند ؟ - روزی که گرگ بگلہ زد مردم چه کردند ؟ -
نتیجہ درنگونی چوپان چه بود ؟

۲- بازگویی حکایت - در مقابل کلاس راست بایستید و بلند و شمرده
حکایت را بخوانید .

۳- این لغات و اصطلاحاتیکہ روی تختہ سیاه بخط نستعلیق نوشته شدہ چند
بار بنویسید : دروغگو - گاہگاہ - نجات - بسوی او - گرگی در کار نیست -

مسخرہ - اتفاقاً - گرگ بگلہ زد - لکت - هیچ کس بگفت او زفت .
۴- رونویسی - نام حکایت را با خط خوب و مداد برنگ بخط نستعلیق چنانکہ آموزگار بر تختہ
سیاہ نوشتہ است بنویسید از یادمان نبرد کہ نقطہ های حرفہا و دندانہ های سرکشہای کاف و
گاف را بگذارید .

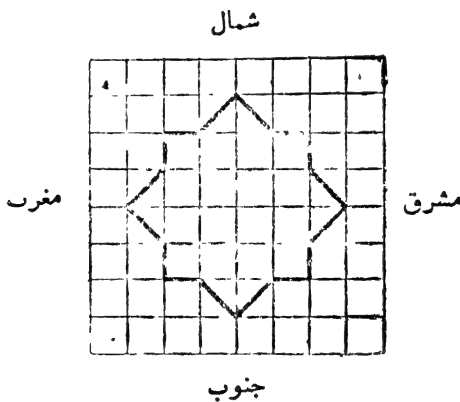
۵- از روی متن شصت و پنج بار بنویسید
چوپان در تنگنا ماند و گرگ گو سفندان اورا درید

پرسش ۱ - خاور کجا است ؟ - ناختر کجا است ؟ - جنوب کجا است -
شمال کجا است ؟ برای پیدا کردن چهار جهت اصلی چه میکشید - ایراندخت
بگوید اطاق خواب شما در کدام جهت مرلن است ؟ - عفت اطاق درس ما
رو کدام جهت است ؟ - چرا ؟ - حورشید همگم ظهر کجا است ؟
۴ - این لغات و اصطلاحات تازه را که روی بخته سیاد نوشته شده چند بار
با خط خوب بنویسید

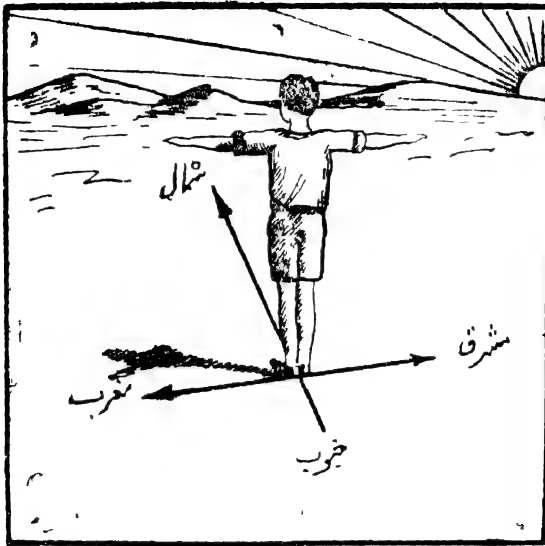
حیلی خوشحال بود - همگام صبح - آموزگار روی ناخمد کرد - مثل من
طوری بایستید - چهار جهت اصلی - خاور - ناختر - شمال - جنوب .
۴ - از روی این سر مشق چند بار بنویسید

تذکره و به ر و ن و جنوب را چهار جهت اصلی بخوانند

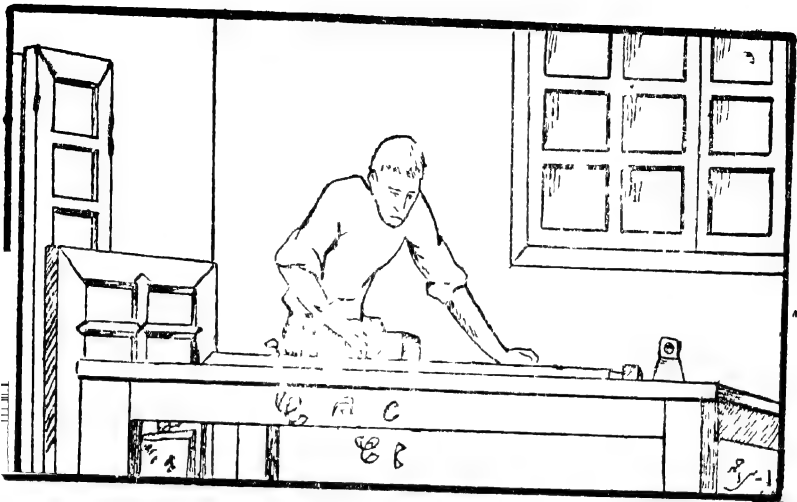
رسم - از روی این شکل در کاغذ شطرنجی بکشید .



اکنون روی من بطرف شمال و پشت من



بطرف جنوب است شما هم هر جا بخواهید -
 شمال و جنوب را بدانید مثل من طوری بایستید
 که دست راستان بجانب خاور و دست چپتان
 بجانب باختر باشد آنوقت رو بروی شما
 شمال و پشت سر شما جنوب می شود.
 خاور و باختر و شمال و جنوب را چهار
 جهت اصلی می گویند.



۱ - مشاهده شکل - در این شکل چه میبینید ؟ - درودگر (نجار)

چه میکند ؟

۲ - گفتگو - در خصوص اره و رنده (شکل - راقی - دنباله ها -

بری . . .)

درودگری (نجاری)

استاد احمد نجار از صبح تا شب کار
میکند در موقع کار سرش را برهنه میکند
و آستین پیراهنش را بالا میزند .

اول چوب را با اره میبرد بعد با رنده
آنها میتراشد تا صاف یا تازك تر بشود از
جاور زنده خورده های روبرو برهنه میزنند .



اسب است که مرکب سوار است حیوان نجیب هوشیار است
یا بود اسب آب بشکد و آن اسب که می کشد در شکم

۵

از روی این سرشتی بامداد حین بار بویید :

از گا و چوزاد شیر گیرند و ز آن کره و پنیر گیرند

جانوران



این سگ که بود رفیق چوپان همراه شود بگو سفندان
گرگی اگر از کمین درآید تا از گله طعمه ای رباید
سوء میکند و شبان بخواند تا از گله گرگ را براند



بایاری گاو برزگرها کاوند و کند دشت و درها
از گاو چو زاد شیر گیرند و ز آن کره و پنیر گیرند
کاونست اگر چه رام و بموار ساخت زندار کنیش آزار



خر با نوری بود بی آزار آماده برای بردن بار
چون نرم بود به اهواری گویند بود خر سواری
نام و گرش دراز گوش است گویند که بی شعور و هوش است

۱ - پرسش - پرویز و بهروز کجا میرفتند ؟ - در راه چه یافتند ؟ - گفتگویشان سر چه بود و بهم چه می گفتند ؟ - راهگذر چه گفت ؟ پس از آن چه کرد ؟ - آیا کار راهگذر خوب بود ؟ - چرا ؟ - اگر پرویز و بهروز با هم رفیق واز گردو را تقسیم میکردند بهتر بود ؟

۲ - بازگویی حکایت - حکایت را بریان خودتان بگویید (در جلو کلاس راست بایستید و شمرده و بلند حرف بزنید)

۳ - این کلمه ها و جمله هایی که روی تخته سیاه نوشته شده با مداد بر رنگ چید باز بنویسید
 پرویز و بهروز - پیشدستی کرد - گردو مال من است - راهگذر - گفتگو
 ایسهم دسب مرد من است

از روی سرمشق زیر با خط خوب بنویسید

را بگذر مغر را هم خود در دهان گذاشت و گفت این هم دشمن من که آنرا شکستاه

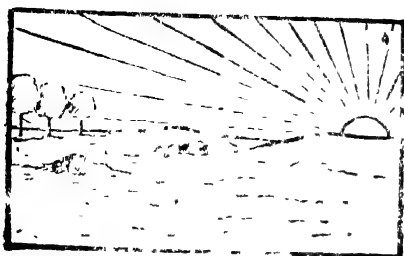
تقسیم یک گردو

پرویز و بهروز با هم از دبستان بخانه می رفتند گردویی در راه افتاده بود پرویز آنرا دید و ببهروز نشان داد بهروز پیشدستی کرد و آنرا برداشت پرویز گفت گردو را من ریده ام و مال من است بهروز گفت من برداشته ام و مال من است راهگذری که گشتگویشان را گوش میداد پیش آمد و گفت گردو را بمن بدهید تا بگویم مال کیست، بهروز گردو را باو داد و آنرا دو نیم کرد و مغزش را بیرون آورد پس یک نیمه از پوست خالی را پرویز داد و گفت این حق شما که گردو را دیده اید و نیمه دیگر را بهروز داد و گفت این هم مال شما که آنرا برداشته اید مغز را هم خود در دهان گذاشت و گفت این هم دست مزد من که آنرا شکسته ام.

می آید همیشه شب در پی روز و روز در پی شب است.

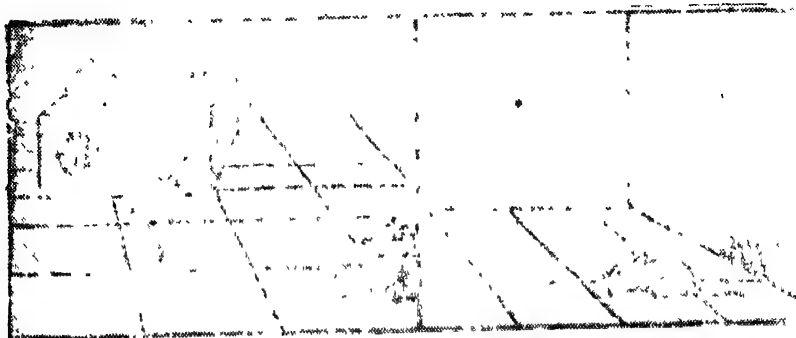
يك شب و روز را شبانه روز می گوئیم
 هر شبانه روزی بیست و چهار ساعت است.
 ما هر روز صبح زود از خواب بر می خیزیم
 اول کمی ورزش میکنیم و بعد صبحانه میخوریم
 پس از آن بدبستان میرویم در دبستان چهار
 زنگ درس می خوانیم و هنگام ظهر بخانه بر
 می گردیم پس از دو ساعت دوباره بدبستان
 میرویم و دو ساعت دیگر درس میخوانیم پس
 ما هر روز شش ساعت در دبستان هستیم چهار
 ساعت پیش از ظهر و دو ساعت بعد از ظهر
 روز در روشنایی خورشید و شب در روشنایی
 چراغ کار میکنیم هنگام خواب چراغ را
 خاموش میکنیم.

۱ - پرسش - چه وقت هوا تاریک می شود؟ - چه وقت رور گرمی
 و روشنی خیلی زیاد میشود؟ - میان شب و روز چه فرق است؟ - شبانه روز
 چند ساعت است؟ - چند روز يك هفته میشود؟ - در دبستان روزی چند



شب و روز

آفتاب که غروب کرد شب می شود در
 شب چراغها را روشن می کنند ستارگان و
 ماه در آسمان پیدا میشوند شب وقت راحت
 و خواب است بیشتر مردم چند ساعت از شب
 گذشته می خوابند صبح خورشید از جایی که
 نامش خاور یا مشرق است بیرون می آید و
 کم کم رو بیالا میرود و هرچه بلند میشود هوا
 روشن تر و گرمتر می شود ظهر که خورشید
 خیلی بلند میشود گرمی و روشنی بیشتر است
 از ظهر بعد خورشید کم کم رو پایین میرود و
 وقت غروب دیگر دیده نمی شود و شب دوباره



موش و تله

موشی از سوراخ بیرون آمد و پی خوردنی
 میگشت چشمش بتله‌یی افتاد که چند مغز بادام
 در آن گذاشته بودند با خود گفت مردم چه قدر
 نادانند هنوز برای گرفتن ما موشها تله میگذارند
 دیگر نمیدانند ما موشها زرنگ شده ایم و
 دیگر گرفتار تله نمیشویم اما از این مغزهای
 بوداده خوشمزه هم میتوان گذشت باید
 طوری آنها را بچنگ آورد که تله نفهمد پس
 آهسته آهسته پیش رفت و پوزه خود را نزدیک

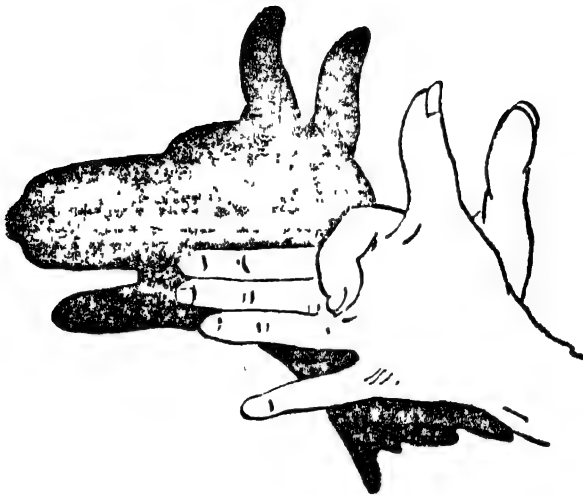
ساعت درس میخواهید ؟ - چند ذك پیش از طهر و چند ذك بعد از طهر ؟

۴ - روئوسی لغات و اصطلاحات - این لغات و اصطلاحات را

که روی تخته سیاه نوشته شده چند بار بنویسید : صبح - طهر - غروب - ستاره
ستارگان - نقطه - شب در پی روز - شامه روز - آنگاه .

۳ - سرگرمی - شب با سایه دست خود شکل گرگ را روی دیوار

درست کنید



۲۵ خر و پوست شیر

خری در بیشه ای میچرید گذارش بر پوست شیر
افتاد پوست را پوشید و خیال کرد که شیرین است
و از آنجا رفت بده اهل ده از ترس او پافشار کردند
خر که گریختن مردم را دید از شیر شدن خود خاطر جمع شد
در دل خود گفت خوب از بار کشیدن و سواری دادن خلاص
شدم و بعد از این آسوده زندگی می کنم حالا خوب است
نعره ای هم بکشم که بیشتر ترسند و دیگر جرأت نکنند
نزد و یک من بیایند عمر خود را شمرند و خیال
نمایند که اگر عمری که گذرانده که عمر عراور شمرند دانستند که
خر است نه شیر پیش رفتند و او را گرفتند پوست شیر را
از پیشش برده اشک زد و گاله بار کشی را بدوشش گذاشتند.

یکی از مغزها برد و بیچاره با همه زرنگی
که داشت فوراً بتله افتاد .

۱ - پرسش - تله موش دیده اید ؟ - تله را از چه درست
میکند ؟ - موش غیر از بادام چرهای دیگر هم می خورد ؟ - چه چیزها ؟ -
موش حکایت بالا زرنک بود یا نه ؟ - چرا ؟ - چرا برای موش تله
می گذارند .

۲ - بازگویی حکایت : حکایت بالا را بگویید . (موقع
گفتن حکایت راست و طبیعی بایستید و دستهایتان را در کنار خود نگذارید
بلند و شمرده حرف برید .)

۳ - املا - املاي این لغت ها را خوب یاد بگیرید .
تله - چه قدر - حوشمزه - آهسته - پوره - طوری .

۴ - حکایت بالا را دیکته کنید

۵ - تکلیف - از روی این سر مشق چند بار بنویسید .

موش گاهی تنه می افتد و یا گرفتار پنجه گر به میشود

نقاشی - از روی این شکل بکشید .



چهار فصل

هوشنگ می دانست که در تابستان دبستانها تعطیل می شود از آموزگار پرسید .

تابستان چند ماه است ،

آموزگار گفت .

تابستان سه ماه است .

عفت پرسید .

فصل های دیگر چطور ،

آموزگار گفت .

فصلهای دیگر هم هر کدام سه ماه است

در فصل بهار زمین سبز و خرم میشود درختها از

سرنو برگ و گل میکند اول سال ما ایرانیها

روز اول این فصل است و ما آنروز را نوروز

می گوئیم .

بعد از بهار تابستان می آید در تابستان

هوا خیلی گرم می شود در این فصل بهمنی

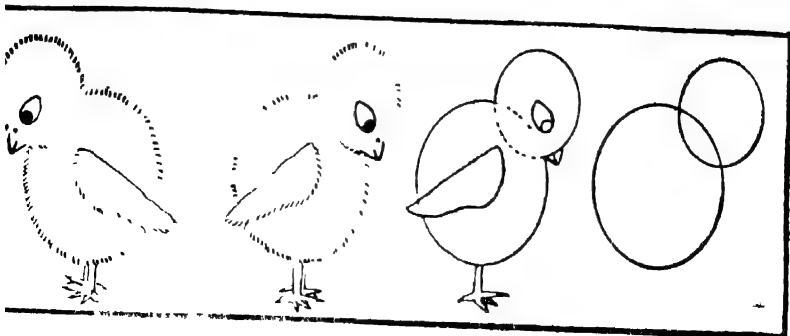
۱. پرسش - گاله چیست ؟ - گاله را کجا دیده اید - غیر از
حر دیگر با چه چیز بار کشتی میکند ؟

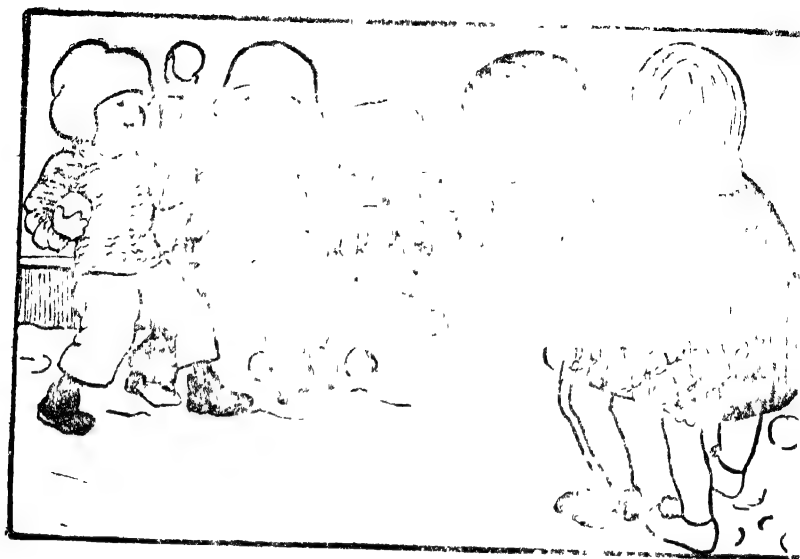
۲. ناز گوی حکایت - حکایت بالا را بار بگویند (موقع
گفتن حکایت حلقه کلاس را دست بایستید تا تمام شاگردان شما را ببینید . طبیعی
و راست بایستید و بلند و شمرده حرف بزنید)

۳ - عبارت های زیر را در کلاس با خط خوب و نامداد بر رنگ
رو بوسی کنید و ملتفت باشید که نقطه ها و سر کشتهای کاف و گاف را
فراموش نکنید

گدازش بر پوست شیری افتاد - خاطر جمع شد - از سواری
دادن رهایی یافتیم - حالا خوب است بفره بی هم بکشم - عذر خود را سرداد

نقاشی - از روی این شکل ها بکشید (از طرف راست شروع کنید)





برف بازی

دیشب برف بسیار باریده بود صبح زود
 هوشنگ و مسعود و پروانه و سیمین که همسایه
 و همبازی بودند، بی آن بازی که نوربهار با آن‌ها
 بود رفتند همه رخت پوشی بردند و
 دستکش هم داشتند.

هو! سرد بود و بچه‌ها وقتی نفس
 می‌کشیدند بخار دهانشان مثل ابر دیده می‌شد
 همه میدان را برف گرفته بود و بهر جا ده

میوه ها میرسد و دهقانها گندم و جو را درو میکنند.

تابستان که تمام شد پاییز شروع میشود پاییز فصل پر نعمت و برکت است در اواخر این فصل برگ درختان زرد میشود و باد آنها را میریزاند.

بعد از پاییز زمستان می آید زمستان فصل سرما و برف و یخ بندان است.

- ۱ - پرشش - سال چند فصل است ؟ - فصلی چند ماه است ؟ -
چند فصل یک سال است ؟ - الان در چه فصلی هستیم ؟ - حالا چه ماهی است ؟ - چند روز یکماه میشود ؟ - امروز چه روزی است ؟ - هوا در کدام فصل گرم است ؟ - هوا در کدام فصل سرد است ؟ - در کدام فصل میوه اش را است ؟ - اول سال ما ایرانیه کدام روز است ؟ -
۲ - این لغات اصطلاحات تازه را چند بار با احتیاج خوب و مداد بر برگ سر بسند تعادیل - فصل - دختهار سر و برگ و گل میکنند -
بورور - بهمت و برگ - باد برگها راه میریزاند - بجز بدان
۳ - در نویسی - درس نامه را با مداد پررنگ و خط خوب در دفترچه خود بنویسید .

۲- لغت ها و اصطلاحاتی را که روی تخته سیاه نوشته شده

است چند بار بنویسید

دیشب برف بسیار باریده بود - همسایه و همبازی - تمام میدان را

برف گرفته بود - حمده کمان - می‌رسید پایش بلعرد -

۳- رونویسی - تمام و یا قسمتی از درس را با کیزه در دوترچه

خود باامداد بنویسید .

چشم می انداختند از کوه و بیابان و درختها و
بامها همه بر از برف بود.

هوشنگ که از همه بزرگتر بود يك

گاوله برفی درست کرد و همبازی های او هم
از برف گاوله های دیگری درست کردند. آن

وقت هريك بطرفی دویدند و گاوله های برف
را بیکدیگر برتاب کردند بعد دست هم را

گرفتند و روی برفها سر خوردند سیمین
که پنج سال داشت و از همه کوچکتر بود

آهسته آهسته میرفت و میترسید پایش بلغزد
و زمین بخورد اما مسعود که برادرش بود

دستش را گرفت و نمی گذاشت زمین بخورد
و همه نزدیک ظهر خنده کنان بخانه برگشتند.

۱ - پرسش - چه وقت برف باریده بود ؟ - بچه ها چه

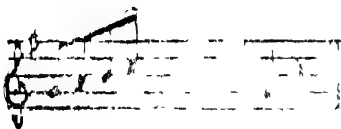
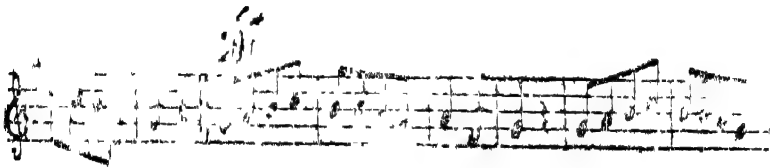
کردند ؟ - چرا حانه بشی پوشیده بودند ؟

برف را بیشتر دوست دارید یا باران را ؟ - چرا ؟ - وقتی که

برف آمده باشد چه بازیهای میکنید ؟

برف آمد : رن آمد

برف



برف آمد و برف آمد

برف آمد و برف آمد و برف آمد
 در دشت و در چمن یکسر چادر زد
 صحرا بر تن پوشید پیروهن
 دیگر گلی نینی در چمن
 پوشش گندم برف زمستانیست
 گر نیاید گندم در تابستان نیست.



برف آمد و اکنون هنگام بازی است
 این ورزشها مایه سرافرازی است
 ای برف زیبا ای برف سفید
 زیبا تر از تو چشم ما ندید
 برف آمد و برف آمد و سرما شد
 اکنون هنگام بازیهای ما شد.
 (محل ملام)

آب دادن گلها و آب پاشی از حوض آب
بر میداریم شب در خانه ما چراغ برق
می سوزد در بعضی از خانه ها چراغ نفتی
می سوزانند .

مادر من و خواهرم راضی است زیرا
همیشه اطافمان را پاکیزه نگاه میداریم من
هر روز با دستمال میز و سندیلی اطاق را پاک
میکنم و خواهرم فرشها را جاروب میکشد .

۱ - پرسش - چرا در زهستان در و پنجره های اطاق را
می بندیم - خانه شما چند طبقه دارد ؟ - چند اطاق در حیاط شما هست ؟ -
هر اطاقی رو به چه سمت است ؟ - باغچه ها را چه طور آب میدهید ؟ - در
خانه مادرتان چه کمک هایی میدهید ؟ -

۲ - این لغات و اصطلاحات تازه که روی تخته سیاه نوشته چندبار
بنویسید - راحت - آسایش - کار روزانه - پایان می یابد - سر میبریم
اطاق رو بخواب باز میشود - باغچه - حیاط - حوض - راضی ،
۳ - رونویسی - درس بالا را با مداد پررنگ و خط خوب در
دفترچه خود رونویسی کنید .

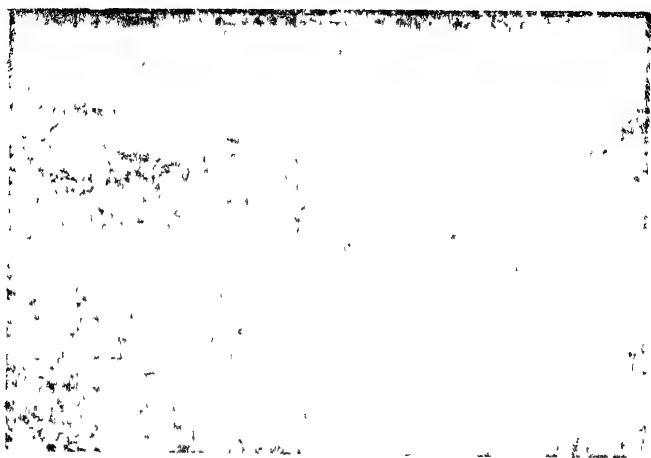
خانه

خانه جای راحت و آسایش است وقتی که کار های روزانه ما تمام می شود بخانه میرویم در زمستان که هوا سرد است در و پنجره های اطاق را می بندیم و اطاق را گرم میکنیم در تابستان که هوا گرم است روز ها در زیر زمین بسر می بریم و شبها در حیاط یا پشت بام میخوابیم .

خانه ما ده اطاق و چهار زیر زمین و يك آشپز خانه دارد پنجره های اطاق من و خواهرم رو بجنوب باز میشود در زمستان خورشید بآنجا می تابد و هوای آنرا گرم میکند اطاق ما در طبقه دوم است و زیرش يك زیر زمین است عصر ها که از دبستان بخانه میرویم من گلهای باغچه را آب میدهم خواهرم حیاط را آب پاشی میکند ما برای

در کنار دهکده چشمه آبی بود و زنهای
 دهکده از آن چشمه با کوزه آب بر میداشتند
 در وسط دهکده میدان کرکی بود که
 دهقانان هنگام بیابانی در آنجا جمع میشدند
 در يك طرف میدان دو سه دکان و در طرف
 دیگرش مسجد کوچکی بود چون غروب
 آفتاب نزدیک بود گله های گوسفند و گاو
 و الاغ از چرا بر می گشتند دهنانها هم آه برای
 درو کردن بصحرا رفته بودند یکی یکی و دو تا
 دو تا بطرف خانه های خود می آمدند.





دهکده

يك روز بعد از ظهر نو آموزان سال دوم دبستان با آموزگار خود بگريش رفتند از چندین کوچه و خیابان گذشتند تا ار شهر بیرون رفتند غیری که راه رفتند از دور طرف شمال در میان صحرا يك آبادی دیدند بطرف آن آبادی رفتند و همین که نزدیک آن رسیدند دیدند دهکده کوچکی است که پنجاه خانوار در آن زندگی می کنند خانه های آنها از سنگ و گل و چوب ساخته شده بود .



مهر مادر (۱)

کویست مرا چو زاد مادر پستان بدهن گرفتن آموخت
 نیا بر گاهواره من بیدار نشست و خفتن آموخت
 دستم بگیرفت و پایا بُرد تا شیوه راه رفتن آموخت
 یک حرف و دو حرف بر زبانم الفاظ نهاد و گفتن آموخت

۱. از روزی که این رفتار را حفظ کنند و در موقع خواندن، پایا بردن و گاهواره

جدا کردن را با حرکت دست و سر و غیره مجسم سازند.

آموزگار و شاگردان هم بشهر برگشتند.
 در راه آموزگار بشاگردان گفت زندگی
 دهقانها ساده و بی سرو صدا است موقع کار و
 زراعت از صبح تا غروب کار میکنند غروب
 که شد برای راحت کردن بخانه های خود
 بر میگردند بخانه که رسیدند شام میخورند و
 می خوابند و صبح زود بیدار میشوند و همین که
 صبحانه خوردند سر کار میروند.

پرسش ۱ — دهکده در کدام طرف شهر بود ؟ — خانوار یعنی چه ؟ —
 خانه های دهکده از چه چیز ساخته شده بود ؟ — زبان دهکده از کجا آب
 بر می داشتند ؟ — دهقانان گله های خود را کجا میچراندند ؟ — زندگی
 دهقانها چگونه است ؟ —

۲ — این لغات و اصطلاحات ناره که روی تخته سیاه نوشته
 شده چند بار بنویسید .

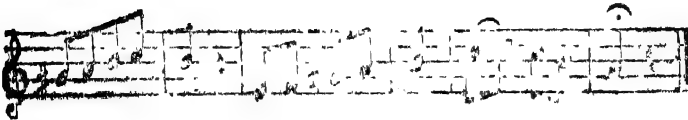
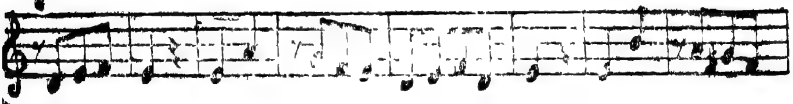
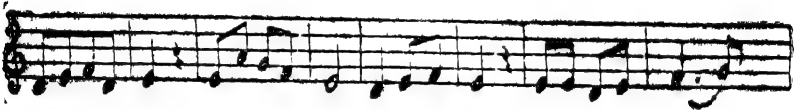
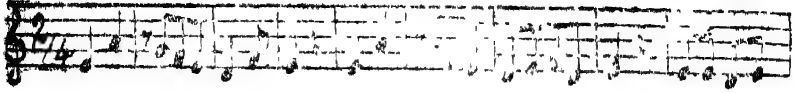
آبادی — خانوار — غروب آفتاب — ساده — بی سرو صدا —
 استراحت — صبحانه — دهقان — دهقانان

۳ — رونویسی — قسمتی از درس را با خط خوب و مداد
 پر رنگ در دفترچه خود بنویسید .

مهر باد

اینگذشت: خانقاهی

۱۰۰



لبخند نهاد بر لب من
بر غنچه گل شکفتن آموخت



پس هستی من ز هستی اوست
تا هستم و هست دارمش دوست
(ایرج)

- ۱ - پرسش - مادر چرا بستان بدهن بچه میکند ؟
مادر چرا تنها پهلوی گاهواره بچه اش بیدار می نشیند ؟
مادر چرا دست بچه را میگیرد و او را پاپا میبرد ؟
مادر برای اینکه بچه حرف زدن یاد بدهد چه میکند ؟
حالا بگویید چرا مادران را دوست دارید ؟ -
- ۲ - تکلیف : از روی این سر مشی چند بار بنویسید :

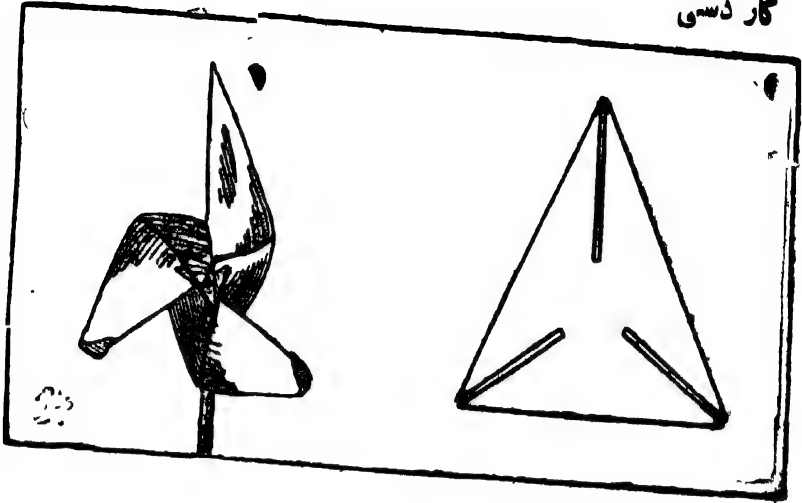
پس هستی من ز هستی اوست
تا هستم و هست دارمش دوست

عید نوروز

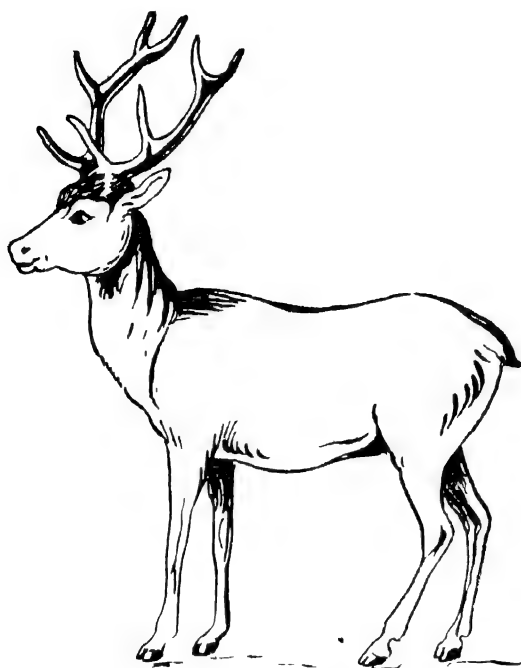
جمشید یکی از پادشاهان قدیم داستانهای
ایران بوده است .

گویند پارچه بافتن و لباس دوختن و
گندم و جو کاشتن و خانه ساختن از سنگ و
گچ و گل را جمشید بمردم یاد داده است
روزی که جمشید بر تخت پادشاهی
نشست مردم همه خوشحالی کردند و آن روز
را نوروز یعنی روز نو اسم گذاشتند و ایرانیان
تا کنون این روز را عید میگیرند نوروز
برای همه ایرانیان و بخصوص برای کودکان
بهترین روز سال است در این روز همه لباس
نو می پوشند بدیدن هم میروند شادی
می کنند و بزرگتران بکودکان عیدی میدهند
یا برای آنان اسباب بازی میخرند .

کار دستی



- ۱ — يك سه گوشه ار کاغذ ببرید .
- ۲ — ار گوشه ها باقیچی تا نزدیک وسط ببرید .
- ۳ — سه گوشه ها را یکی در میان با سنجاق بچوبی وصل کنید .



گوزن

گوزن از جانوران کوهی است و آنرا
مانند آهو و بز و گاو کوهی شکار میکنند
شاخه‌ها، این حیوان بلند و شاخ شاخ و از دور
مانند درخت است .

يك روز گوزنی بر لب چشمه رفت كه
آب بنخورد عكس شاخه‌های خود را در آب دید
بسیار خوشش آمد و با خود گفت راستی

۱ - پرسش - جمشید که بود ؟ - جمشید مردم چه آموخت ؟
 روری که جمشید تحت پادشاهی شست مردم چه کردند ؟ - نوروز یعنی چه ؟
 عید نوروز چه وقت است ؟

۲ - این لغات و اصطلاحات تازه را که روی تخته سیاه نوشته
 شده چند بار موبسید :
 پارچه بافتن - لباس دوختن - خانه ساختن - عید پادشاهی -

عید نوروز
 ۳ - رو نویسی - حکایت را با خط حوق و حوانا و با مداد
 پر رنگ در حرره خود بنویسید .

۴ - تکلیف - از روی این سر مشق چند بار موبسید .

نوروز برای همه ایرانیان و مخصوص برای کودکان بهترین روز سال است .

- ۱ - پرسش. شاخ گوزن چه طور است؟ - گوزن عکس خودش را کجا دید؟ - گوزن از چه نا راضی بود؟ - بر سر گوزن چه آمد؟
- ۲ - باز گویی حکایت - حکایت را بگویند (موقع گهتن حکایت راست و طبیعی نایستید بلند و شمرده حرف بزنید .)
- ۳ - لغات و اصطلاحات تازه را که روی تخته سیاه نوشته شده با مداد پر رنگ چند بار بنویسید .
گوزن - آهو - شاخ شاح - در همین حال - سگ شکاری -
پا بفرار گذاشت - از حرکت باز ماند - پای زشت جام را در برد.
شاخ قشك بگشتم داد - دست و پام باین شاخها می آید .
- ۴ - رونویسی - قسمتی از حکایت را با خط خوب و با مداد پر رنگ بنویسید (یادتان برود که نقطه های حروف و دیدانه ها و سر کشهای کاف و گاف را بگذارید و (ب) را بکلمه بعد بچسبایید).

شاخهای قشنگی دارم حیف که دست و پایم
باریک و زشت است و باین شاخها نمی آید.
در همین حال چند سگ شکاری از دور پیدا
شدند گوزن که سگها را دید پا بفرار گذاشت



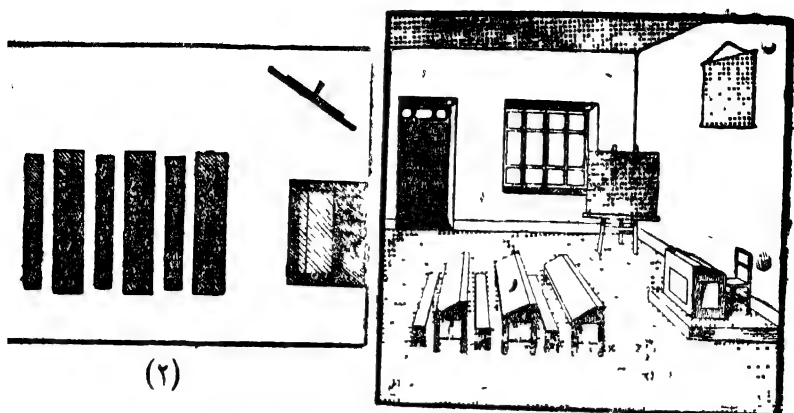
سگها او را دنبال کردند اما هر چه می دویدند
باو نمیرسیدند کوزن داخل جنگلی شد
و همچنان که میدوید شاخهایش بدرختی گیر کرد
و از حرکت باز ماند سگها رسیدند و پاره
پاره اش کردند بیچاره در حال جان دادن میگفت:
دست و پای زشت جانم را در برد اما شاخی که
گفتم قشنگ است بکشتم داد.

کوچك داشتند پرویز بچه کلاغها را در
آشیانه دید و خواست آنها را بردارد.
در موقعی که پدر و مادر جوجه ها در
آشیانه نبودند از درخت بالا رفت همینکه
نزدیک آشیانه رسید دو کلاغ از چپ و راست
باو حمله کردند این دو کلاغ پدر و مادر
جوجه بودند که در همان وقت رسیده بودند و
دست درازی پرویز را دیده بودند کلاغها
گرد پرویز میپريدند و بسر و صورت او
پر و بال میزدند و تیریاک میزدند پرویز هرچه
خواست نزدیکتر برود نتوانست زیرا کلاغها
پی در پی بچشم او حمله میبردند و میخواستند
او را کور بکنند پرویز سخت ترسید و
خواست پایین برود لیکن از ترس دست و پای
خود را گم کرد و از درخت بزیر افتاد.



آشیانه گذاشتن

يك جفت كلاغ در میان جنگل درخت
سبز و خرمی آشیانه گذاشته بودند و پنج جوجه



(۱) کلاس درس

بالای این صفحه را خوب نگاه کنید
در طرف راست صورت يك کلاس و در طرف
چپ نقشه آن است.

در صورت در و پنجره و میز و صندلی آموزگار
و تخته سیاه و چیزهای دیگر که در کلاس
هست می بینید و شما همه اینها را دیده اید و
میشناسید این شکل را نقاش از کلاس درس
شما کشیده است و در کتاب شما چاپ کرده اند.
اکنون اگر شما از دریچه ای که در
سقف اطاق است توی کلاس نگاه بکنید کلاس

۱ - پرسش - کلاغها در کجا آشیانه گذارده بودند ؟ (۱) - کلاغها چرا پرویز حمله می کردند ؟ - پرویز از چه ترسید ؟
آیا شما مثل پرویز دوست دارید جوجه های مرعها را از آشیانه بردارید ؟ - چرا ؟

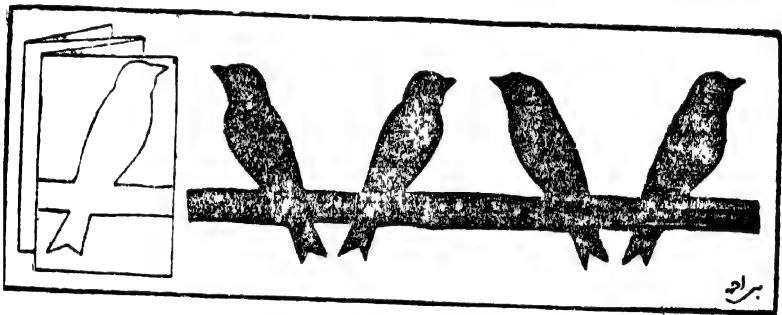
۲ - بازگویی حکایت -- حکایت بالا را زبان خود بگویند (حلو کلاس راست بایستید و بلند و شمرده حرف زنید)

۳ - کلمات و جملاتی که روی تخته سیاه نوشته شده چند بار بنویسید :

کلاغ - ناو حمله کردند - سخت ترسید - دست و پای خود را گم کرد

۴ - رونویسی - قستی از حکایت را با خط خوب و بامداد پررنگ بنویسید .

کار دستی :



۱ - شکل کلاغ را در کار کاغذ بکشید .

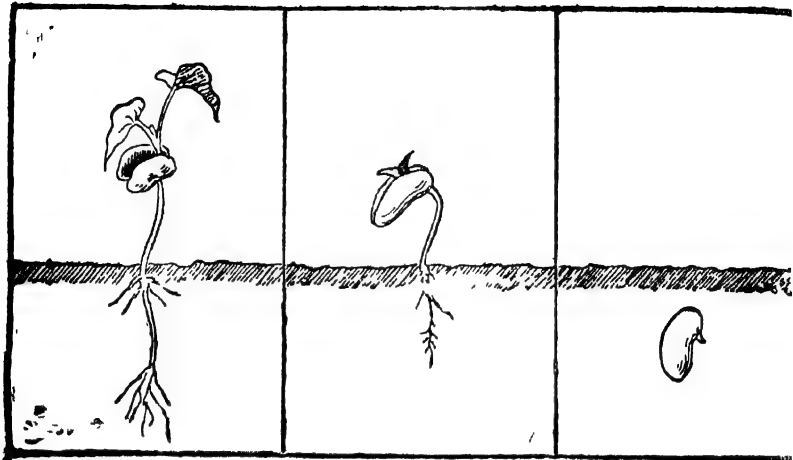
۲ - ماده شکل دست چپ ناکمید .

۳ - با قیچی اطراف شکل را ببرید بعد کاغذ را باز کنید .

(۱) جواب باید عبارت کامل باشد مثلاً در جواب این پرسش :

کلاغها در کجا آشیانه گذارده بودند ؟ « باید گفته شود :

« کلاغها در روی درخت آشیانه گذارده بودند » و نه « روی درخت »



۱ - مشاهده شکل - در این شکل چه می بینید ؟
 ۲ - مگسگو - در خصوص شیل و راک و بررگی و فایده
 دانه های لوبیا و نافلا - (دانه لوبیایی را در آب بگذارید و ببینید
 پس از چند روز چطور میشود)

من لوبیا میکارم

نگاه کنید من می خواهم يك دانه لوبیا
 بکارم باور میکنید که این دانه سخت و خشك
 سبز بشود من آنرا در آب می اندازم اول
 پوستش نرم می شود بعد بنامیکند بباد کردن
 آن قدر باد میکند که پوستش از هم جدا میشود
 در این وقت آنرا در زمین میکارم تا چهار پنج
 روز اثری از آن پیدا نیست روز هفتم یا هشتم

درس و چیزهایی را که در آن هست مطابق
نقشه که در طرف چپ صفحه است می بینید
در شکل همه چیز را از پهاو می بینیم و در
نقشه از بالا.

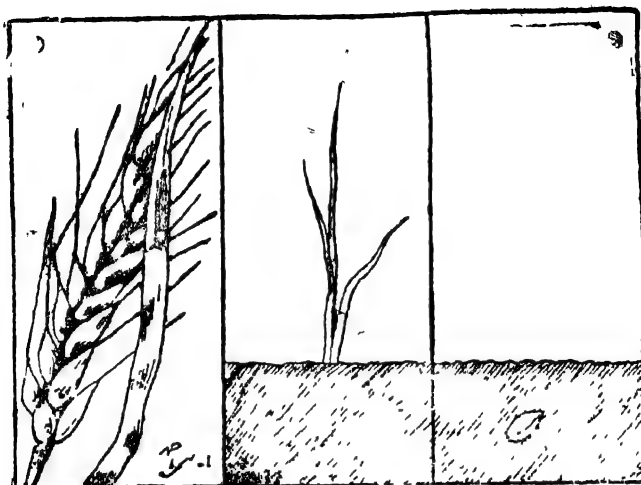
پرسش — در صورت کلاس (شکل ۱) میز و صندلی آموزگار را
نشان بدهید

در نقشه کلاس (شکل ۲) میز و صندلی آموزگار را نشان بدهید (۱)
میرهای دانش آموزان را که در صورت کلاس می بینید شماره
چند میز است ؟ — در صورت چند صندلی است ؟ — چند تخته است ؟ — چرا جای
آموزگار را در کلاس درس بلندتر از جای دانش آموزان قرار داده اند .

REPRODUCTION OF THIS BOOK IS PROHIBITED BY LAW

•

(۱) این دو پرسش را در باره تمام چیزهایی که در صورت و نقشه
دیده میشود تکرار کنید .



۱- مشاهده شکل - در روی این شکل چه می بینید ؟

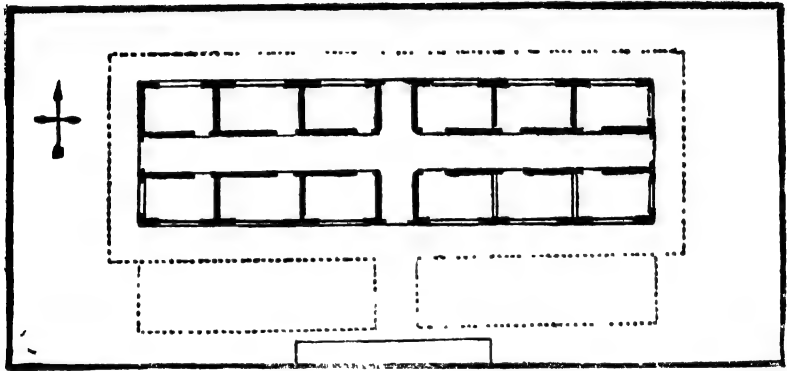
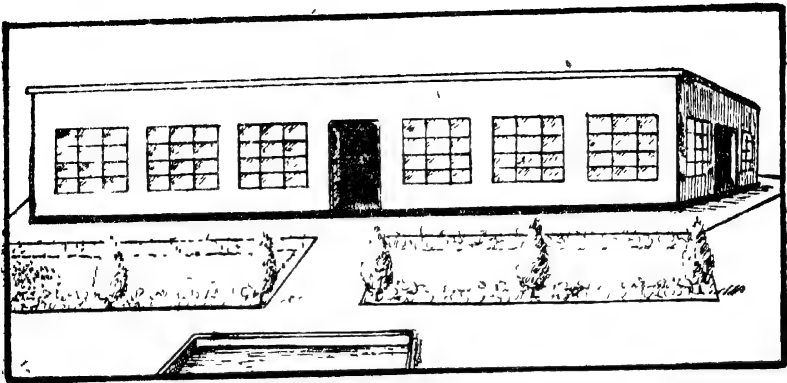
قصه دانه گندم

در پایین برزگر مرا در زیر خاک
می کند و بزودی بشکل يك ساق كوچك سبز از
زمین بیرون می آیم در بهار بزرگ می شود
يك خوشه از سرم میروید در این خوشه
دانه های بسیار هست .

خوشه در آفتاب گرم تابستان میرسد ورنه
سبزش زرد می شود وقتی که نسیم میوزد
خوشه هم از چپ و راست تکان میخورد .

خاك روى لویا كمی بلند میشود از روز بعد
 بنا میکند بیرون آمدن راستی چه كار پر
 زحمتی دارد اول پشت خمیده اش را از زیر
 خاك بیرون میآورد بعد قد خود را راست
 می کند و دو برك خیلی كوچك از آن بیرون
 می آید سر خود را در مقابل آفتاب و باد
 تكان میدهد و خوشحال است كه از زیر زمین
 تاریك بیرون آمده و حالا در هوای آزاد و جای
 روشن زندگی میکند .

- ۱ - قصه گویی - قصه - رویدن دانه لویا را بزبان خودتان بگویید
- ۲ - كلمات و حركات تازه را كه روى تخته سیاه نوشته شده است چند بار بنویسید : آیا باور میکنید ؟ - اثر - پوستش نرم میشود - پشت خمیده - قد خود را راست میکند - هوای آزاد - جای روشن .
- ۳ - با خط خوب و خوانا قسمتی از درس را بنویسید (یادتان نرود كه دندانها و نقطه های روى حریمهارا بگذارید)
- ۴ - بكار بردن افعال هست و نیست : آفتاب گرم است - آفتاب گرم نیست . زمین نمناك است - زمین نمناك نیست



دبستان

در این صفحه ، هم شکل دبستان را
می بینید و هم نقشه آن را شکل بالا تصویر دبستان
و شکل زیر نقشه آن است .
در تصویر دبستان کف حیاط و درختان



در این وقت است که دروگر
میآید و با داس مرا میبرد
خوشه مرا میکوبد و دانه های گندم را از ساق
و پوست آن جدا میکند بعد با آسیا میبرد و زیر
سنگ آسیا آرد میکند.
آیا میتوانید بگویید که بعد از این با من
چه میکنند؟

۱ - پرسش - برزگر در چه موقع گندم را در دیر - ملك پنم - ان
میکند؟ - چه وقت خوشه سروں می آرد؟ - ۲ - وقت گندم را درو میکنند؟ -
۲ - نار نویی حکایت - قصه دانه گندم را بران خودتان بگویید
(راست بایستید و شمرده و بلند حرف بزنید در موقع حرف زدن ملتفت
باشید که کلمات و عبارات صحیح ادا شود)
۳ - گفتگو در خصوص دانه گندم (دانه گندمی را اوسطا با چاقو
ببرید و پوست و مغز آنرا ببینید) - همین - ای خشك گندم و گاه و خوشه
گندم را نگاه کنید و رنگ و شکل آنها را بگویید
۴ - ناری - یکی از کودکان کارهای برزگر را در موقع تخم
باشیدن و دروگر را در موقع درو کردن تقلید کند و دیگری بگوید که او
چه میکند (فریبش در مردعه راه می رود) او گندم را بر میدارد. او
گندم را میپاشد

۵ - کلماتی را که روی تخته سیاه نوشته شده چند بار بنویسید :

برزگر - خوشه - سیم میورد - دروگر - داس - سلك آسیا .

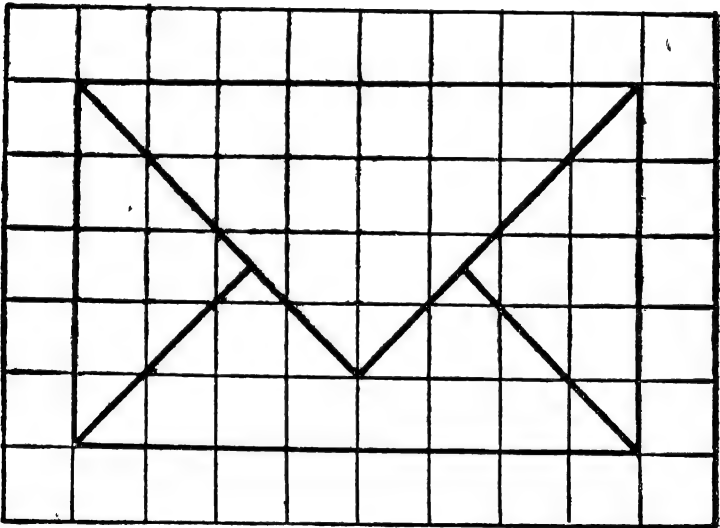
۶ - رونویسی - با خط خوب و مداد پررنگ قسمتی از درس را
بنویسید (یادتان شود که دندانه ها و نقطه های حرفها و سرکشهای
کاف و گاف را بگرارید) .

۱- پرسش - در شکل دبستان آنچه را می بینید بیان کنید
آنچه را در شکل دیده‌اید در نقشه نیز نشان بدهید.

در نقشه خاور کدام سمت است ؟ - شمال کدام سمت است ؟ - جنوب
کدام سمت است ؟ - باختر کدام سمت است ؟ هریک از این جهت هاراروی
شکل دبستان نیز شان بدهید .

۲- رونویسی : درس را با مداد پر رنگ و خط خوب در کتابچه
خود بنویسید .

رسم - مطابق این شکل در روی کاغذ شطرنجی مکشید :

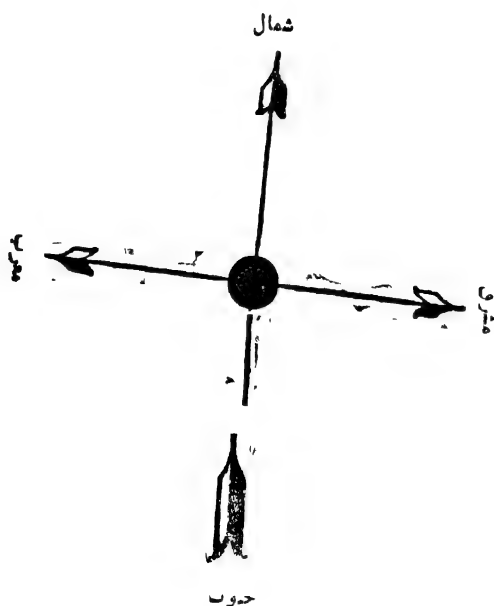


نقاشی - شاخصی مطابق شکل صفحه پیش بکشید .

و ساختمان دبستان را خوب می بینیم کلاس
اول در طرف خاور دبستان و کلاس ششم
در سمت باختر دبستان است.

آنچه در تصویر دبستان می بینیم در نقشه
هم دیده می شود جای حیاط دبستان و جای
اطاقها همه پیدا است در نقشه خاور طرف
راست و باختر طرف چپ و شمال بالای نقشه

است (۱)



(۱) آموزگار باید
روی تخته سیاه نقشه های
بسیار ساده از دبستان
ترسیم و پرسشهای بالا
را در مورد هر يك از
نقشه ها تکرار کند در
ترسیم نقشه ها همیشه
چهار جهت اصلی را در
نظر بگیرد و جهات هر
نقطه را وسیله شاخصی
مطابق این شکل در روی
تخته سیاه مشخص کنید



کوچه و خیابان

در این صفحه شکل و نقشه کوچه و خیابان
را کشیده اند.

در شکل دست راست بناها و عمارتهای
کنار خیابان خوب دیده میشود خیابان را رو
بشمال کشیده اند. کوچه دست راست خیابان
پهن تر از کوچه دست چپ است در کنار خیابان
درخت دیده میشود پاره‌یی از ساختمانهای کنار
خیابان سه طبقه است در طبقه دوم و سوم مردم
و خانواده ها زندگی میکنند و طبقه های پائین

کیخسرو در دوره کودکی

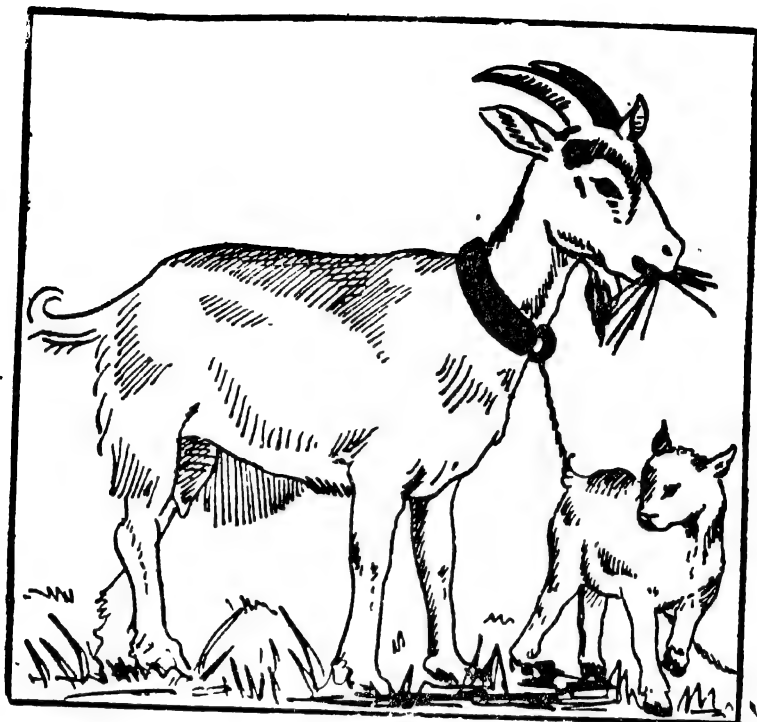
یکی از پادشاهان بزرگ داستانهای ایران
در قدیم کیخسرو بوده است.

گفته اند وقتی که کیخسرو بدینا آمد
مادرش او را بچوپانان سپرد تا دشمنان از
وجود او با خبر نشوند.

چوپانان کیخسرو را نگاه داشتند تا
هفت ساله شد در هفت سالگی از چوب
وروده گوسفند تیر و کمان ساخت و در
صحرا با آن شکار آهو میکرد در ده سالگی
با هنرتر و دلیرتر شد و توانست که شیر و ببر
و پلنگ و جانوران درنده دیگر را شکار بکند.

۱ - دشمن - تیر - کمان - که بود - وقتی که بدینا آمد - در ده سالگی
۲ - کیخسرو - پادشاه - در ده سالگی پادشاه شد
۳ - جانوران - پلنگ - شیر - ببر - که در ده سالگی
چند بار - شکار - کرد.

قدیم - کیخسرو - حکایت - تیر و کمان - صحرا - آهو - باهنر - دلیر -
۴ - رونویسی - حکایت را با خط خوب و خوانا و با مداد در
جزوه خود بنویسید.



بُرُو بَر غاله اش

بَر بَیجِه اَرود و بَر غاله

کُند از دُوری مادر ناله

د بدم بَیجِ بَیجِ و فِدا یَد کُند

مادرش را بَصدا یَد کُند

مغاره و دکان است.

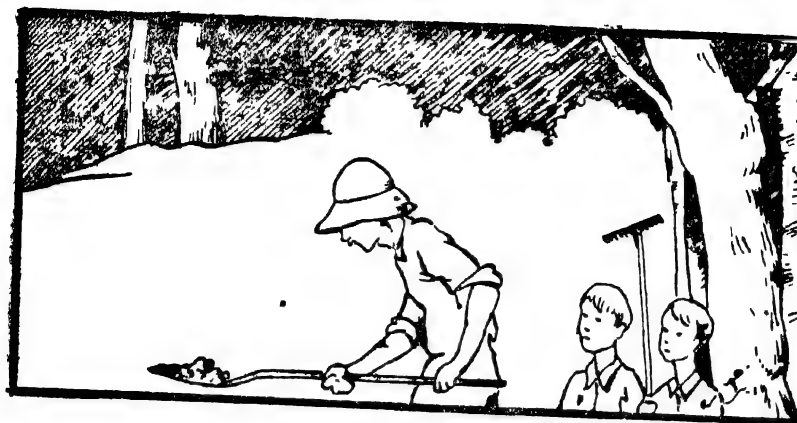
شکل دست چپ نقشه کوچه ها و خیابان
است کف خیابان و کوچه ها و جای ساختمانها
و عمارتها خوب دیده میشود.

در نقشه هم خیابان را از جنوب بشمال
کشیده اند و نقطه های سیاه جای درختهای
خیابان است (۱)

۱ - پرسش - در شکل دست راست چه می بینید ؟ - درختها در کجای
خیابان قرار دارد ؟ - در خیابان چه می بینید ؟ - خیابان روبكدام سمت کشیده
شده است ؟ - جای درختها را در نقشه خیابان (شکل دست چپ) بچه صورت
می بینید ؟ نقطه های سیاه در نقشه - میادان شاه چیست ؟
۲ - لغات و اصطلاحات تازه را که روی تخته سیاه نوشته شده چندبار
با خط خوب و مداد پر رنگ بنویسید .

نقشه - رفت و آمد میکند - پاره یی از ساختمانها - ساخماهای
سه طبقه - در خانه های دوم و سوم - مغازه .
۳ - رونویسی - درس بالا را با مداد پر رنگ و خط خوب در
دفترچه خود بنویسید

(۱) باید روی تخته سیاه با گچ طرحهای ساده یی از امتداد کوچه و
خیابان ترسیم و گوشش شود که امتداد کوچه ها و خیابان در چهار جهت
اصلی بنوا موران هممانده شود



مشاهده شکل - در این شکل چه می بینید ؟

سبزی کاری

فریدون و قباد همراه پدرشان بیاب
رفتند پدر زمین را بیل زد و کود را با خاک
مخلوط کرد.

بعد ترب و هویج و لویا کاشت و
تخمهای آنها را با شنکش زیر خاک کرد. روز
دیگر کاهو و چغندر و شلغم کاشت درختها
را تراش داد و باغچه ها را آب داد.
سبزیها روز بروز بزرگتر شدند و

بزرگسرا برود با چوپان

از گیاهان خورد و آب روان

چونکه پر شیر شود پستانش

باز گردد و گله با چوپانش

بزرگ را بدو پیشاپیش

تا دهن شیر بزغاله خویش

(حبيب بنی)

سؤال - برای چه بزرگسرا میرود؟ - بزغاله او چراغاله میکند؟ -

بزرگسرا چه میخورد؟ - چه وقت بزغاله را بر میگردد؟ - برای چه پیشاپیش میدهد؟ -

در شاهنامه بار در روز بزغاله را میدهد و سینه؟ - با شیر بز چه میکنند؟

۲ - رو نویسی - لغات و اصطلاحاتی که روی نقشه سیاه بجا نستعلیق نوشته

شده است چند بار با خط خوب و با مداد پرنگ بنویسید

بز و بزغاله - صحرا - دهم - بع بع - پیشاپیش - خویش - گله با

چوپانش - باز گردد

نقاشی - شکل یک بز بکشید و دور آنرا بگردانید



مشاهدهٔ شکلها - در این شکلها چه می بینید ؟

چیدن آلبالو

پری و فرامرز با اجازهٔ مادرشان بیای
رفتند که آلبالو بچینند .

فرامرز چون کوچکتر بود از شاخه هایی
که خم شده و نزدیک زمین بود آلبالو می چید
پری هم نردبان گذاشت و بالای درخت
رفت .

پری و فرامرز با هم می گفتند و
می خندیدند گاهی هم يك آلبالوی آبدار و
خوشمزه بدهان میگذاشتند و گاهی آلبالو های
جفتی را بگوش خود مانند گوشواره آویزان
میکردند .

بوته آنها درشت تر شد .

روزی پدر بفریدون و قباد گفت :

ببینید سبزیها تر و تازه است کمی بچینید تا بخانه

بیریم .

فریدون و قباد با خوشحالی قدری کاهو

و لوبیا تازه چیدند و برای مادرشان بردند .

۱ - رونویسی - با خط خوب قسمتی از حکایت بالا را بنویسید :

۲ - لغات و اصطلاحات تازه را بنویسید : (مخلوط کردن - بوته

درشت تر شد - سبزیها روز بروز بزرگتر شدند) .

۳ - گفتگو - بیل چه تکه است؟ فایده هر تکه چیست ؟ (بهمین

طریق در خصوص بیلچه - شکش گفتگو شود .)

۴ - بازی - (تقلید هر يك از حرکات ماعدان در موقع بیل زدن -

کاشتن دانه - کاشتن درخت - تراش درخت - آب پاشی کردن و شکش کشیدن)

نقاشی : ۱ - شکل بیل و بیلچه و شکش را بکشید .

۲ - از روی این شکل بکشید و رنگ آمیزی کنید .

کار دستی - شکل میوه مایه را که دوست دارید روی

کاغذ رنگی بکشید و دور آنها را ببرید و در دفترچه خود

چسبانید .



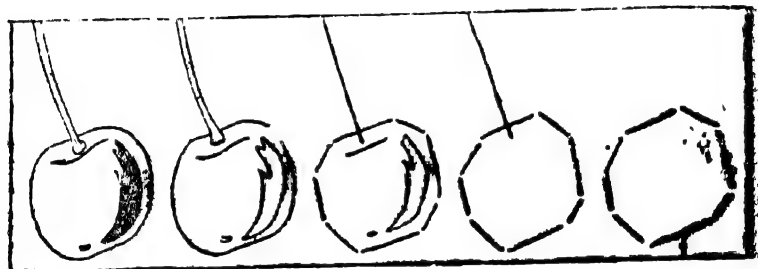
۴ - بازی - گفتگو میان آلبالو و کلاهی :

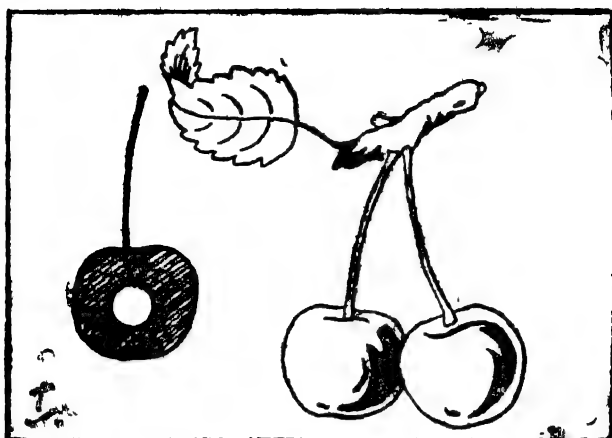
آلبالو بکلاهی می گوید : من آلبالو هستم رنگم قرمز است و از این مربا و شربت درست میکنند .

کلاهی بمن بگو : تو چه هستی ؟ و چه فایده داری ؟

بهین ترتیب گفتگو میان کلاهی و سیب و میوه های دیگر مطرح شود .

ققاشی - از روی این شکلها بکشید (از دست راست شروع کنید)
ونک آمیزی کنید .





پس از آنکه سبد را از آلبالو پر کردند
 هر کدام يك طرف آنرا گرفتند و شادی کنان
 بهخانه برگشتند و در راه بخود میگفتند :
 — ای کاش همیشه آلبالو بود و ما از چیدن
 و بهخانه بردن آن حظ میبردیم .

۱ - تمرین - کلمات و -جملات تازه را که روی تخته سیاه نوشته شده
 چند بار بنویسید :

باحازه - آلبالوی آبدار و خوشمزه - مانند گوشواره - شادی کنان -
 حظ بردن - ای کاش - در راه بخود میگفتند .

۲ - رونویسی - با خط خوب و باامداد پررنگ درس را یکبار
 بنویسید : (یادتان رود که دندانه ها و نقطه ها را بگذارید)

۳ - گفتگو - آلبالو از چند قسمت درست شده (دم - هسته -
 گوشت آبدار) .

اسب رستم

رستم نام یکی از پهلوانان داستانهای قدیم ایران است این پهلوان در تمام جنگها پیش میرد.

رستم در جوانی اول دفعه که میخواست بجنگ برود از پدر خود اسب بزرگی خواست پدر اسب بسیاری داشت دستور داد تا تمام اسبها را از جلو رستم بگذرانند تا هر کدام را می پسندد برای خود بردارد رستم يك را پسندید تا اینکه چشمش بکره اسبی افتاد که همراه مادر خود میدوید گره اسب بچشم او خوب آمد آنرا گرفت و امتحان کرد و پسندید و همان را اسب خود قرار داد و در تمام جنگها بر آن سوار میشد.

اسم اسب رستم رخس بوده است.

کردی؟ حلال بود یا حرام؟ رفتارت چگونه بود؟
 با مردم مهربانی کردی یا با مردم آزار رسانیدی؟
 مسلمانان باید همه با هم برادر باشند کسی که
 بفکر مسلمانان نباشد مسلمان نیست.

اصول دین و مذهب

اصول دین و مذهب اسلام پنج است :
 توحید نبوت معاد عدل امامت

توحید و نبوت و معاد اصول دین است
 عدل و امامت اصول مذهب است.

۱ - توحید اینست که خدا و آفریننده جهان را
 یگانه و بی همتا بدانیم.

۲ - نبوت این است که پروردگار برای
 راهنمایی بندگان پیغمبرانی فرستاده که اول آنها
 آدم و آخر آنها پیغمبر ما محمد بن عبدالله
 صلی الله علیه و آله میباشد کتابی که پیغمبر ما از
 جانب خدا آورده قرآن کریم است که آخرین

مسلمانی

مسلمان باید با اصول دین اعتقاد داشته باشد
 مسلمان باید بهیچکس آزار نرساند و مردم از
 دست و زبان او آسوده باشند مال کسی را نبرد
 دروغ نگوید بد گوئی نکند امین باشد
 درستکار باشد مسلمان باید از مسلمان دستگیری
 بکند اگر بداند کسی بیچاره است در آسایش
 او بکوشد مسلمان باید از مالی که خدا باو
 داده بمردم خیر برساند و کارهایی بکند که
 ر برای دیگران فایده داشته باشد مسلمان باید
 بی کار نگردد علم و صنعت یاد بگیرد از زور
 بازوی خود نان بدست بیاورد تا محتاج دیگری
 نشود.

روز قیامت از کسی نمی پرسند پدرت
 کیست؟ می پرسند کارت چیست؟ مال از کجا و از
 چه راه بدست آوردی و در کدام راه خرج

دوم روزه : تمام ماه رمضان باید روزه گرفت .

سوم حج : هر کس بتواند باید در مدت عمرش يك مرتبه بزیارت کعبه برود .

چهارم خمس : هر کس آنچه اضافه از خرج سال خود داشته باشد باید در آخر سال حساب کند و پنج يك آنرا بسادات فقیر بدهد .
پنجم رکوة : هر کس دارای گندم و جو و خرما و کشمش و گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره باشد باندازه معین که رسید باید زکوة آنرا بمستحقین بدهد .

ششم جهاد : در وقت حمله دشمن همگی باید اسباب جنگ ساز کنند و دشمن را برانند .
هفتم و هشتم : امر بمعروف و نهی از منکر هر کس بتواند و از او پیشرفت کند باید مردم را بآنچه خدا و رسول فرموده اند وادار و از آنچه منع کرده اند باز دارد .

کتاب آسمانی است اگر خداوند پیغمبران
 نمیفرستاد مردمان خوب را از بد نشناخته در
 گمراهی میماندند.

۳ - معاد یعنی باور داشته باشیم که در
 روز قیامت مردگان زنده میشوند کسانی که
 خوش رفتار بوده اند بهشت و کسانی که
 بد رفتار بوده اند به جهنم میروند.

۴ - عدل اینست که خدا را عادل بدانیم.

۵ - امامت یعنی علی پسر ابوطالب و یازده
 فرزندش را امام بدانیم که هر يك بعد از
 دیگری جانشین پیغمبر بوده اند.

فروع دین

فروع دین هشت است :

اول نماز : در شبانه روزی پنج نماز واجب
 است صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشا .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ «۲» اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سپاس مرخدا را پروردگار جهانیان ۲ بخشنده مهربان

«۳» مَا لِكَ يَوْمَ الدِّينِ «۴» اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ

۳ خداوند روز رستخیز ۴ همین ترا پرستیم و از تو

یعنی بنام خداوند آغاز می کنم یا میخوانم . الله نام ذات خدای تعالی است که دارنده همه صفات کمال است . رحمن و رحیم هر دو بمعنی بسیار رحم کننده است ولی ممکن است رحم بمعنی بخشنده نعمتهای بزرگ باشد همچون آسمان و زمین و تندروستی و خرد ، و رحیم بمعنی بخشنده نعمتهای دقیق و لطیف باشد چون سیاهی چشم ، و نزدیکی موههای پلک چشم بپند بگر که از رفتن گرد و خاک جلو گیری می کنند . و از عبور نور و افتادن صورت دیدنیها در مردمک چشم مانع نیستند پس این دقت و حکمتی که در کمال آفرینش بکار رفته که روشایی را از رسیدن بمردمک چشم حلو گیری نمیکند ، و خاک و خاشاک را از رفتن در چشم باز میدارد . بلفظ رحیم ادا شده است . یا آنکه رحمت رحمانی رحمت دنیا است که مؤمن و کافر هر دو را فرا میگردد . در جهت رحیمی آنست که در آخرت خاص مؤمنان است «۱» یعنی حقیقت سپاس با هر شکر و سپاسی که از سپاس گذاری شنیده شود بخدا ساز میگردد پس اگر از نعمت وجود پدر و مادر و آموزگار و

ترجمه و ترتیب نماز^(۱)

فخسب آهنگ نماز میکنید یعنی در دل بگذرانید (ولی بزرگوار
 نیاورید) که دو رکعت نماز صبح مثلاً (یا سه رکعت نماز مغرب یا چهار
 رکعت نماز ظهر یا عصر یا عشاء، بجا می آورم) اداء واجب قرینه الی الله تعالی
 (یعنی برای نزدیکی بخدا) پس مقارن با همین نیت تکبیر الاحرام بگویند
 (۲) و بهتر آنستکه دستها را در تکبیر الاحرام تا برابر گوش بردارند
 چنانکه کف دست روی بقبله شود پس بگوئید الله اکبر (یعنی خدا بزرگتر
 است) (۳)

(۱) مقصود از این فصل دو چیز است .

۱ - ایسکه اطفال خواندن نماز را باقل واجب (یعنی فقط با افعال
 و اذکاری که واجب است و اگر از آنها چیزی بکاهد نماز باطل میشود)
 یاد بگیرند ، تا چون نماز خواند امر آکاری سهل و آسان افتد بشوق بیفتند
 و آنرا هشت ، بخوانند ، و تمرین کنند ، و بعد ها هم در تسکین وقت و در
 مواقع لزوم از آن استفاده نمایند

۲ - ایسکه تدریس نماز ، کلمه یادگیرنده و علاوه بر این میباید
 (بشرحی که دیلا اشاره شده است) آموزگاران سنمون هر حمله کامل را هم
 با اطفال بیاموزند .

(۲) در نماز فقط همین تکمیر واجب است .

(۳) یعنی در هر گمراهی است که بتولیم او را نشان دهیم یا بحقیقتش برسیم

(۴) بجای (قل هو الله) سوره دیگر نیز میتواند بخوانید .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

فَلْهُوَ اللَّهُ أَحَدٌ «۱» اللَّهُ الصَّدُ «۲»

بگو اوست خدای یگانه ۱ خداست که قصد و امید خلقان بسوی او
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ «۳» وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

نراده و نه زائیده شد ۳ و نبود مرا و اوستا هیچکس ۴

کافران از پیغمبر پرسیدند که بگو خدای تعالی چو نیست خداوند این
سوره را در پاسخ آنان فرستاد - که بگو ای محمد آنکه از وی پرسیدند
الله است - معبود بحق است ۱ - صمد است یعنی اردیگران بی نیاز است یا
صمد است یعنی مردم همه در نیاز مندی ها رو بوی کنند و ناو امید داوند.
و او غیر خود بیارمند نیست (۲) بزائیده یعنی فرزند ندارد یا ای که از وی
چیزی بیرون نی آید چه کثیف مانند چون فرزند و چه لطیف باشد چون
نفس و چیز های حادث مانند پینکی و خواب و اندوه و شادی و اخته
و گریه و بیم و امید و گرسنگی و سیری از وی پراکنده نمیشود ؛ و از
چیز دیگر وجود بیامده چنانکه مردم از مردم و جانور از جانور و گیاه
از زمین و از تخم و آب از چشمه و میوه از درخت و بینائی از چشم و
شنوائی از گوش و سخن از زبان و معرفت از دل و نور از خورشید پدید
میشود ۳ - و او را مانند و همتا و همسر و ابازی نیست ۴

نَسْتَعِينُ» هـ «إِشْدَانَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

یاری خواهیم ه راه راست را بیا

ع «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» ۲ «غَيْرِ

راه کسانی که منت نهادی بر ایشان ، نه آنان که

الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ .

خشم گرفته ای بر ایشان ، و نه گمراهان .

دانشمندان ، و دلبران و ابرو باران و نور خورشید بهره مند شویم ، و آنها را شکر و ثنا گوئیم در حقیقت او را ستایش ، و ده ایم که همه این نعمتها را او داده است . پس چنانکه همه نعمتها در حقیقت از اوست همه ستایشها نیز با او باز گردد و هیچ کس حرم خداوند سر او را ستایش و پرستش نباشد - همه جهانیان را میروزانند . و هر چیز را در تله کمال آن میبرسانند (۲)

ملك هم قرائت شده و آن بهتر است . یعنی پادشاه روز جزا . و رحمن و رحیم در این سوره مکرر آمده تا صد گاه بداند که پادشاه روز رستخیز مهربان و بخشنده است و بدو امیدوار باشد (۳)

پرستش یعنی عبادت و اظهار نهایت خضوع و فروتنی و حواری مقصود اینست که کمال خشوع و عبادت را برای غیر تو بجای آوریم ، و از حر تو یاری نجویاییم (۴)

مراد از راه راست راه حق است یعنی ما را بر راه راست بدار (۵)
منعم علیهم کسانی هستند که در باره آنان خدا فرمود و من بطم الله
والرسول فأولئك مع الذين آمن الله عليهم من المؤمنين والصدیقین . والشهداء
والصالحین (۶) ، و معصوم علیهم کسانی که در باره آنان فرمود: و منهم من لعنه الله
و عصب علیه . و ضالین کسانی اند که در باره آنان فرموده : قد ضلوا من
قبل و اضلوا کثیراً (۷)

برای رکعت دوم، و دوباره حمد و سوره میخوانید در رکعت دوم سنت مؤکد است که پس از تمام شدن سوره دست بدعا بردارید - یعنی دستها را در مقابل صورت نگاه دارید و قنوت بخوانید - پس از آن مانند رکعت اول رکوع و سجود میکنید، از سجده دوم که سر برداشتید همچنان نشسته بگوئید
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، یعنی گواهی میدهم که نیست خدائی که سزاوار پرستش باشد جز خداوند تنها است، انباز و شریکی برای او نیست ، و گواهی میدهم که محمد بنده و فرستاده اوست ، خداوند ارحمت فرست بر محمد و خاندان محمد (۱) .

پس اگر نماز صبح میخوانید همینجا سلام بدهید یعنی پس از تشهد بگوئید اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلٰی عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ (۲)
 یعنی درود بر ما و برندگان نیکوکار خدا باد درود بر شما .

و اگر اینکه میخوانید نماز مغرب است بعد از تشهد سلام ندهید بلکه بر خیزید و چون راست ایستادید

يَا اَكْبَرُ . اَللّٰهُمَّ سُبْحَانَكَ وَالْحَمْدُ لَكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ . (۳)

(۱) یا نیک بستانی (یا بیخشای) بر محمد و خاندان محمد .

(۲) اگر (و رحمة الله و برکاته) یعنی درود بر شما و رحمت خدا

و افروزی خیر (او) را علاوه کند : است .

بعد از خواندن حمد و سوره خم شوید چنانکه کف دستهای شما
 بر زانو برسد، و چون تن آرام گرفت سه بار بگوئید **سُبْحَانَ اللَّهِ** یعنی
 تسبیح میکنم تسبیح خدا. یعنی پاکی او را از صفات نقص آشکار میکنم (۱)
 پس از رکوع سر بردارید و راست بایستید، چون تن آرام گرفت سنت
 است بگوئید **اللَّهُ أَكْبَرُ**، و بهتر آنست که درین وقت دستها را
 همچنانکه در تکبیر الاحرام گفتیم بلند کنید پس بسجده میروید
 چنانکه دو کف دست و پیشانی و زانو ها و نوک دو انگشت
 شست پا ها را بر زمین گذارده باشید و واجب است که پیشانی
 را بر زمین یا بر چیریکه از زمین میروید (ولی آوردنی و پوشدنی
 نباشد) همچون خاک و سنگ و حوب و برک درختان بگذارید، و پس از
 آرامش تن و اعضا سه بار میگوئید **سُبْحَانَ اللَّهِ** یا **یا یک** بار بگوئید
سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ یعنی تسبیح میکنم پروردگار خود را که
 برتر و بلند پایه تر از همه چیز است در حالتیکه متمسک ستایش او (۲) سپس
 سر از سجده بردارید و نشینید بدن که آرام شد دو باره سجده روید
 و چون سر از سجده دوم برداشتید رکعت اول پایان رسید، بر می خیزید

(۱) یا دور می سارم خدا را از بد دور ساختی .

(۲) یعنی ستایش و پرا جامه خود نموده ام و همچنانکه همیشه با رفت

خود هستم با ستایش وی نیز همواره همراهم .

توانا بود هر که دانا بود

حساب کلاس دوم ابتدایی

تدریس حساب در کلاس دوم شفاهی است و آنچه در این کتاب نوشته
شده برای آموزگار است نه برای خواندن نوآموزان

۱۳۲۴

چاپخانه کیهان

یعنی پاك است خدا و ستایش برای خداست و نیست خدائی جز الله و خدا
بزرگتر از همه چیز است .

یا پاك بار حمد میخوانید ، و رکوع و سجود میکنید ، و پس از سر برداشتن
از سجده دوم تشهد میخوانید و سلام می دهید و اگر نماز عشاء یا ظهر یا عصر
است چون سر از سجده دوم برداشتید حالا تشهد و سلام نخوانید برخیزید
برای رکعت چهارم و آنرا مانند رکعت سوم نماز مغرب بجا بیاورید
و همچنان چون سر از سجده دوم آن برداشتید تشهد بخوانید و سلام بدهید .

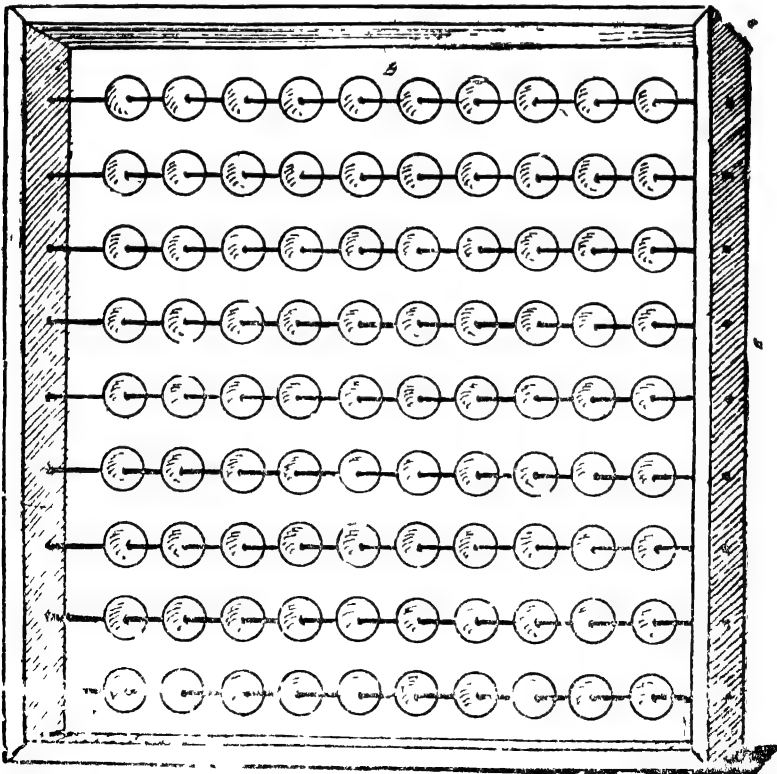


ده نشانه یا علامتی که برای نشان دادن عددها بکار میروند عبارتند از (۰) صفر و (۱) يك و (۲) دو و (۳) سه و (۴) چهار و (۵) پنج و (۶) شش و (۷) هفت و (۸) هشت و (۹) نه این علامت ها را نشانه ها را رقم خوانند.

عدد های از ۱ تا ۹ را که هر يك بوسیله يك علامت نشان داده میشوند عددهای يك رقمی می گویند.

دهگان -- هرگاه ۱ یکه ده ۹ بیاوریم ده یکه یا يك دهه خواهیم داشت

دهه ها را مانند یکه ها میتوان شمرد



۱ = شمردن

شماره زبانی و نوشتنی (عدد های درست)

0	۱	يك كردو
0 0	۲	» دو
0 0 0	۳	» سه
0 0 0 0	۴	» چهار
0 0 0 0 0	۵	» پنج
0 0 0 0 0 0	۶	» شش
0 0 0 0 0 0 0	۷	» هفت
0 0 0 0 0 0 0 0	۸	» هشت
0 0 0 0 0 0 0 0 0	۹	» نه

هر يك از كلمه های يك و دو و سه و چهار و پنج و را
 عدد گویند و هر يك از این عدد ها را بوسیله يك علامت نمایش میدهند،
 علامت یا شاهة عدد يك عبارتست از ۱ و علامت یا شاهة عدد دو
 عبارت است از ۲ و شاهة عدد سه عبارتست از ۳
 هر يك از گردو هایی که شمردیم يك يکته گویند
 يگان - عدد های اريك تا نه بوسیله يك علامت ساده نشان داده
 میشود این عدد ها را يگان گویند -

علامت (۰) که میخوانند صفر هیچ را نشان میدهد اگر
 روی میز کتاب باشد میگویند صفر یا هیچ (۱)

(۱) نو آموزان صفر را باین شکل (۰) بوسید به شکل نقطه و پنج
 را هم دندانه دار ما به این شکل (۵)

۳ روی ۱۰ بگذاریم میشود سیرده $۱۰ + ۳ = ۱۳$

۴ روی ۱۰ بگذاریم میشود چهارده $۱۰ + ۴ = ۱۴$

الی آخر ...

اگر دهه بترتیب نامهای ۹ عدد نخست یعنی لکان را بیفزاییم
عددهای بین آن دهه و دهه بالا بر دست می آید

از دست تا سی می شماریم

۱ روی بیست بگذاریم میشود بیست و یک $۲۰ + ۱ = ۲۱$

۲ روی ۲۰ بگذاریم میشود بیست و دو $۲۰ + ۲ = ۲۲$

الی آخر .

از ۳۰ تا ۴۰ میشود سی و یک (۳۱) -- سی و دو (۳۲) -

سی و سه (۳۳) سی و چهار (۳۴) الی آخر .

برای نوشتن عدد های میان دو دهه بجای صفر ۱۰ و ۲۰ و ۳۰

و ۴۰ و ... و ۹۰ عدد های ۱ و ۲ و ۳ و ... و ۹ را میگذاریم

میشود :

۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹

۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹

۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹

.....

.....

صدگان - اگر ۱ بیکه به ۹۹ بیکه بیفزاییم میشود صد بیکه

$$۹۹ + ۱ = ۱۰۰$$

یا ۱ صده :

در هر ردیف از چهار چوب ۱۰ مهر دیده میشود
 در يك ردیف ۱ دهه مهره هست آنرا مینولسم ۱۰ مهره .
 در دو ردیف ۲ دهه مهره هست آنرا مینولسیم ۲۰ مهره .
 در سه ردیف ۳ « « « « « ۳۰ مهره .
 در چهار ردیف ۴ « « « « « ۴۰ مهره .
 در پنج ردیف ۵ « « « « « ۵۰ مهره .
 در شش ردیف ۶ « « « « « ۶۰ مهره .
 در هفت ردیف ۷ « « « « « ۷۰ مهره .
 در هشت ردیف ۸ « « « « « ۸۰ مهره .
 در نه ردیف ۹ « « « « « ۹۰ مهره .
 عدد های ده (۱۰) و بیست (۲۰) و سی (۳۰) و چهل (۴۰) و
 پنجاه (۵۰) و شصت (۶۰) و هفتاد (۷۰) و هشتاد (۸۰) و نود (۹۰)
 را دهگان گویند .

دهه یا دهگان را با همان رقمهایی که یکان را مینوشتیم مینویسیم
 فقط در دست راست هر يك يك صفر میگذاریم

یکان عبارتند از

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

دهگان عبارتند از:

۱۰ ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰

از ده تا بیست را میشماریم .

$$۱۰ + ۱ = ۱۱$$

۱ روی ۱۰ بگذاریم میشود : یازده

$$۱۰ + ۲ = ۱۲$$

۲ روی ۱۰ بگذاریم میشود : دوازده

برای نوشتن این عدد ها بجای صفر یکان و صفر دهگان رقم یکان و رقم دهگان را میگذاریم.

۱۰۷ - ۱۰۶ - ۱۰۵ - ۱۰۴ - ۱۰۳ - ۱۰۲ - ۱۰۱

۱۹۹ ۱۱۱ - ۱۱۰ - ۱۰۹ - ۱۰۸

برای خواندن عدد سه رقمی اول صدگان بعد دهگان و بعد یکان را میخوانیم. عدد ۴۲۵ خوانده میشود چهار صد و بیست و پنج. عدد ۷۰۴ خوانده میشود هفت صد و چهار (رقم دهگان ندارد) برای نوشتن عدد سه رقمی اول صدگان بعد دهگان بعد یکان

را مینویسیم. عدد سیصد و بیست و هشت نوشته میشود ۳۲۸. عدد پانصد و نه نوشته میشود ۵۰۹ (بجای دهگان صفر گذاشته ایم).

هزار - هرگاه بنهد و نود و نه یک یکه بيفزاییم حاصل برابر هزار میشود.

$$۹۹۹ + ۱ = ۱۰۰۰$$

تمرین ۱ - این اعداد را بخوانید.

۹۲۱ - ۹۱۰ - ۷۰۰ - ۱۰۹ - ۱۲۱ - ۹۹ - ۲۸ - ۱۰

۲ - این اعداد را بنویسید: شصت و هشت - نود و پنج - صد و

بیست و دو - دویست و هشتاد - هشتصد و پنجاه و هفت - نهصد و نود و نه

۳ - در اعداد ۱۰۵ - ۲۸ - ۴۰۹ چند یکه هست ؟

در اعداد ۸۲۹ - ۳۹۶ - ۷۴۷ چند دهه هست .

۱ صده برابر است با ۱۰ دهه

صدها را میتوان مانند دهه ها و یا لکه ها شمرد.

۱۰۰ صدہ یا صد نوشتہ میشود

۲ صده یا دویست ۲۰۰

۳۰۰ ۳ صده با سصد

• • • • •

• • • • •

• • • • •

۹ صد یا نه صد ۹۰۰

صدگان را با همان رقمهایی که یکده ها و دهه ها را نوشتیم

مینویسیم فقط آنها را در مربہ سوم دست چپ قرار میدہیم - یعنی یکی.

از ۹ رقم یکان را نوشته و در راست آن دو صفر میگذاریم

عده‌های بین دو صده - هر گاه هر صده اسامی ۹۹ عدد اول

را بیفزاییم اعداد بین آن صده و صده بعد را بدست می آوریم .

صد - صد و يك صد و دوازده صد و سه صد و نود و نه

دوېست دوېست و يك - دوېست و دو دوېست و نود و نه

سَمِيعٌ - سَمِيعٌ وَ يَكْ - سَمِيعٌ وَ دُو سَمِيعٌ وَ نُو د وَ نَه

• • • • •

نہصد - نہصد و يك - نہصد و دو نہصد و نود و نہ

حل - دو عدد ۳۲۵ و ۴۲۲ را زیر هم مینویسیم طریقی که یکان

۳۲۵

+ ۴۲۲

۷۴۷

زیر یکان دهگان زیر دهگان و صدگان

زیر صدگان قرار گیرد بعد زیر آنها يك

خط افقی میکشیم و میگوئیم .

۵ و ۲ میشود ۷ ۷ را زیر خط افقی در ستون یکان مینویسیم

۲ و ۲ میشود ۴ ۴ را در زیر خط افقی در ستون دهگان مینویسیم

۳ و ۴ میشود ۷، ۷ را زیر خط افقی در ستون صدگان مینویسیم

حاصل افزایش دو عدد میشود ۷۴۴ پس دهقان ۷۴۷ ریال

پول داده است .

۴ - افزایش اعداد با تغییر یکه ها و دهه ها و صده ها .

مسئله - دانش آموزان کلاس اول دستان سه دسته اند بدین ترتیب:

دسته اول ۲۴ تن دسته دوم ۱۸ تن دسته سوم ۸ تن روی هم این

کلاس چند تن دانش آموز دارد؟

حل - سه عدد ۲۴ و ۱۷ و ۸ را زیر هم مینویسیم

۲۴

۱۷

۸

طریقی که رقمهای یکان زیر هم ورقمهای دهگان

هم زیر یکدیگر قرار گیرند بعد رقمهای یکان را با هم

جمع میکنیم :

۴ بعلاوه ۷ میشود ۱۱

یازده بعلاوه ۸ میشود ۱۹، ۹ را در زیر خط افقی در ستون یکان

نوشته و رقم دهگان آنرا که ۱ میباشد با رقمهای دهگان جمع میکنیم

حاصل میشود ۴ و این رقم را زیر رقم دهگان مینویسیم پس حاصل

در 'عداد ۷۳۹ - ۹۴۸ - ۸۱۵ چند صده هست؟

۴ - کردو های کیسه‌یی را شمردیم ۱۰۰ ریال ۱۰۰ تا بی درست کردیم

در کیسه چند کردو بود؟

۵ - تاجری در صندوقش ۶ اسکناس ۱۰۰ ریالی يك اسکناس ۲۰

ریالی يك اسکناس ۵ ریالی و يك سکه ۱ ریالی دارد روی هم چقدر پول دارد؟

افزایش یا جمع

مسأله - منوچهر ۵ کردو دارد و برادرش هوشنگ ۸ کردو

روی هم این دوتن چند کردو دارند؟

برای آنکه بدانیم این دو تن با هم چند کردو دارند کردو های

منوچهر را روی کردوهای هوشنگ ریخته با هم می‌شماریم.

$$00000 + 00000000 = 00000000000000$$

۵ کردو

۸ کردو

۱۳ کردو

دانستیم روی هم دو برادر روی هم ۱۳ کردو دارند. روی هم گذاشتن

را افزایش گویند و عدد ۱۳ را حاصل افزایش کردو ها خوانند.

۱ - افزایش اعداد بدون تغییر یکه‌ها و دهه‌ها و صده‌ها:

مسأله - دهقانی يك گاو خرید مبلغ ۳۲۵ ریال و يك اسب بمبلغ

۴۲۲ ریال روی هم چه قدر پول داده است؟

برای اینکه بدانیم دهقان چقدر پول داده باید ۳۲۵ ریال را

ریال ۴۲۲

با ۴۲۲ ریال جمع کنیم

$$325 + 422$$

۵ کیلو گرم گوشت داشت معین کنید چند کلو گوشت گوسفند در آن روز فروخته شده است

۵ - در کنار نهري ۲۵۶ درخت چار و ۲۷۵ درخت بيد و ۴۰۵ درخت تدریزی و ۴۹ درخت گردو شمرده شد معین کنید در کنار این نهرو روی هم چند درخت کاشته شده ؟

۶ - شخصی در ماه گذشته ۴۵۰ ریال خرج کرد و ۲۰۰ ریال هم کنار گذاشته در آن ماه در آمد او چقدر بوده است ؟

امتحان افزایش - اگر عدد های جمع کردنی را از بالا پائین جمع کرده ایم برای آنکه اطمینان پیدا کنیم که حاصل درست میباشد دفعه دیگر از پائین بالا عمل افزایش را انجام میدهیم اگر دو حاصل افزایش برابر بود عمل افزایش صحیح میباشد

کاهش یا تفریق

مسأله - هوشنگ ۱۲ کردو داشت ۵ کردوی خود را ببرادرش داد چند کردو برایش مانده است ؟

۱۲ کردو را روی زمین می چینیم و بوسیله يك چوب كوچك ۵ کردو از آن جدا میکنیم .

و کردو هایی که باقی میماند میشماریم می بینیم که ۷ کردو باقی مانده است صورت عمل را بدین طریق مینویسند

کردو کردو کردو

$$۱۲ - ۵ = ۷$$

افزایش سه عدد میشود ۴۹ و کلاس اول ۴۹ تن دانش آموز دارد (۱) باید بدانیم که همیشه میتوان عدد های همجنس را جمع نمود یعنی کردو را با چند کردوی دیگر - یا شماره درختان يك مانجه را با شماره درختان مانجه دیگر - ولی درخت را با گردو نمیتوان جمع نمود -

مسأله های حل کردنی (۲):

۱ - در کارخانه دو دسته کارگر کار میکنند ۱۷۵ نفر در روز و ۱۴۸ نفر در شب معین کنید روی هم رفته روز و شب چند تن کارگر در این کارخانه کار میکنند؟

۲ - نوشت افزار فروشی در روز شنبه ۱۷۶ مداد در روز یکشنبه ۲۹۷ مداد و در روز دوشنبه ۲۴۵ مداد فروخت معین کنید روی هم در این سه روز چند مداد فروخته است؟

۳ - خانواده یی در ماه مهر ۶۴۲ ریال خرج کرده و در آخر ماه ۳۴ ریال پس انداز کرده معین کنید در آمد این خانواده در ماه مهر چه بوده؟

۴ - گوشت فروشی در يك روز گوشت سه گوسفند را فروخت گوسفند اول ۳۸ کیلوگرم گوسفند دوم ۴۲ کیلوگرم و گوسفند سوم ۴۹

(۱) - قد کر - آموزگار بكم تمرینهای زبانی زیاد باید عمل افزایش دود عدد يك رقمی و عدد يك رقمی را با عدد دورقمی بدانش آموزان یاد بدهد بقسمی که ذهنی بچه ها شود و بچه بدون تأمل و تفکر بگوید • علاوه ۶ میشود ۱۱ و همچنین ۸ و ۱۷ میشود ۲۵ . . . و تا میتوان از چیزهای موجود در کلاس و دبستان استفاده نمود و عمل افزایش را هم عملاً آموخت .

(۲) - در دادن مسائل دقت شود که هر مساله بیش از يك یاد و عمل نداشته باشد و اعداد هم از هزار تجاوز نکنند .

بقسمی که یکان زیر یکان و دهگان زیر دهگان و صدگان زیر صدگان قرار گیرد:

۷۶۹

-۳۵۴

۴۱۵

۴ از ۹ باقی میماند ۵، ۵ را در زیر خط افقی

و زیر ستون اول (ستون یکان) مینویسیم

۵ از ۶ میماند ۱، ۱ را در زیر ستون دوم (ستون دهگان)

مینویسیم

۳ از ۷ میماند ۴، ۴ را در زیر ستون سوم (ستون صدگان)

مینویسیم

مانده کاهش عبارت است از ۴۱۵

۶۹۸

۲ - مانند مثال بالا عدد ۲۴۷ را از ۶۹۸

-۲۴۷

۵۴۰

$$۶۹۸ - ۲۴۷ = ۴۵۱$$

کم کنید میشود:

۳ - میخواهیم عدد ۳۵۷ را از ۹۹۳ کم کنیم، عدد کوچکتر

را زیر عدد بزرگتر مینویسیم می بینیم که ۷ را نمیتوان از ۳ کم کرد

۱۰ یکه بر سه می افزاییم میشود ۱۳ و بعد هفت را از ۱۳ کم می کنیم

۸۹۳

حاصل کاهش میشود ۶، ۶ را زیر رقم یکان نوشته

-۳۵۷

۵۳۶

و ۱ یکه بر رقم دهگان عدد کوچکتر می افزاییم

و حاصل را از رقم دهگان عدد بزرگتر کم میکنیم

میشود ۳ و چون رقم صدگان عدد کوچکتر را هم از رقم صدگان عدد

بزرگتر کم کنیم حاصل میشود ۵ پس مانده کاهش عدد ۳۵۷ از ۸۹۳

$$۸۹۳ - ۳۵۷ = ۵۳۶$$

برابر است با ۵۳۶.

این علامت (-) علامت کاهش است.

۲ - ناهید ۹ سال و خواهرش زهره ۵ سال دارد معین کنید

ناهید از زهره چند سال بزرگتر است؟

گوییم برای آنکه سن زهره به ۹ سال برسد باید ۴ سال بر آن

افزود یعنی

سال سال سال

$$۵ + ۴ = ۹$$

پس ناهید چهار سال بزرگتر از زهره است.

و نیز میتوان ۵ سال را از ۹ سال کم کرد.

سال سال سال

$$۹ - ۵ = ۴$$

در کاهش همیشه دو عدد در دست می باشد که معمولاً یکی بزرگتر و دیگری

کوچکتر است (۱) و مقصود از کاهش پیدا کردن تفاوت آن دو عدد است

تفاوت را مانده کاهش گویند و بین دو عدد علامت کاهش را میگذارند و میگویند

۵ از ۹ مساویست با ۴

کاهش دو عدد دو رقمی

(حساب کلاس اول دیده شود)

کاهش دو عدد چند رقمی

۱ - میخواهیم عدد ۳۵۴ را از ۷۶۹ کم کنیم

$$۷۶۹ - ۳۵۴ = \dots\dots\dots$$

چنین رفتار میکنیم . عدد کوچکتر را زیر عدد بزرگتر مینویسیم

۱ - دو عدد مساوی را هم میتوان از یکدیگر تفریق نمود : $۵ - ۵ = ۰$

سال از پسر خود بزرگتر است (و یا آنکه در موقع تولد پسر پدر چند ساله بوده است) ؟

۳ - هیزم فروشی ۹۵۶ من هیزم تر خرید و انبار کرد پس از ۳۰ ماه بواسطه خشک شدن ۶۸ من از وزن آنها کاسته شد چند من هیزم خشک شده دارد ؟

۴ - علافی ۵ نار دغال خرید که جمعاً ۵۴۶ کیلو گرم وزن داشت آنها را سرید کرد ۱۹۵ کیلو گرم خاکه بدست آورد - پس چند کیلو گرم دغال سرند کرده دارد ؟

۵ - دو کارگر یکی در ماه ۴۷۵ ریال و دیگری ۲۸۹ ریال مزد دارند معین کنید کارگر دوم چه قدر کمتر از کارگر اول مزد میگیرد ؟
کارگر اول چه قدر بیشتر از کارگر دوم مزد میگیرد .

دو کارگر روی هم چقدر مزد میگیرند ؟
۶ - در کارخانه بی ۳۷۲ کارگر کار میکنند ۱۹۸ تن مرد و بقیه زن میباشند معین کنید شماره کارگران زن را ؟

۷ - سال ۳۶۵ روز است کارگری ۳۲۹ روز در سال کار کرد معین کنید چند روز در سال تعطیل داشته است ؟

۸ - کتابفروشی ۴۷۵ جلد کتاب اول و دوم خرید میدانیم ۱۳۷ جلد از آنها کتاب کلاس دوم بود کتابهای کلاس اول چند جلد می باشد ؟

۹ - شخصی برای مصرف یک ماهه خوابگاه خود ۲۹ کتاب گرم

۱. امتحان عمل کاهش - چون مانده کاهش را با عدد کوچکتر جمع

کنیم حاصل افزایش باید برابر عدد بزرگتر گردد.

عمل کاهش	امتحان
۸۹۳	۵۳۶
— ۳۵۷	۳۵۷
۵۳۶	۸۹۳

تمرین (۱) - این تعریفها را انجام دهید

۱۴۷ — ۳۹۲	۹۰۵ — ۴۲۱	۳۱۶ — ۹۹
۴۷۳ — ۱۵۱	۹۵۲ — ۷۶۹	۳۵۰ — ۴۹
۷۰۶ — ۳۱۸	۳۱۱ — ۲۰۹	۶۱۰ — ۴۵۰

مسأله ها - ۱ - خانواده بی در ماه ۹۶۰ ریال درآمد دارد و هزینه

این خانواده در ماه ۲۴۶ ریال است در آخر ماه چه قدر برای آن پول باقی می ماند؟

۲ - پدری ۲۴ سال و پسرش ۱۳ سال دارد معین کنید پدر چند

(۱) تذکر - آموزگار باید بوسیله تمرینهای زیاد ریاضی و نوشتنی (که البته چند روز وقت لازم دارد) دانش آموزان را عادت دهد که در دهن دو عدد یک رقمی و همچنین عدد یک رقمی را از عدد دو رقمی کم نمایند.

بدو آ بکمک چیزهای موجود در کلاس از قبیل میز و نیمکت و

شاگرد و کتاب و قلم و انگشتان دست و بعد دو عدد مطلق را مانند اعداد

دو برو از هم کم کنید بقسمی که بچه ها

با سرعت بتوانند در ذهن عددی را

از عدد دیگر کم کنند.

$$۱۲ - ۳ = ۰۰۰۰$$

$$۲۷ - ۹ = ۰۰۰۰$$

$$۱۴ - ۸ = ۰۰۰۰$$

$$۴۳ - ۵ = ۰۰۰$$

بشماری یا ضرب

مسأله - دست راست کلاس ۴ نیمکت گذاشته شده و بر هر نیمکت سه تن نو آموزان نشسته اند روی هم چند نفر روی این چهار نیمکت نشسته اند -

گوییم ۳ بعلاوه ۳ میشود ۶ ۶ بعلاوه ۳ میشود ۹

۹ بعلاوه ۳ میشود ۱۲

شاگرد شاگرد شاگرد شاگرد

$$۳ + ۳ + ۳ + ۳ = ۱۲$$

و یا میگوییم ۴ تا ۳ شاگرد میشود ۱۲ شاگرد که بدین طریق مینویسند:

شاگرد شاگرد

$$۳ \times ۴ = ۱۲$$

و میخوانند ۳ ضرب در ۴ مساویست به ۱۲

۳ شاگرد مضروب (بس شمرده)

۴ مضروب فیه (س شمر)

و ۱۲ شاگرد حاصل ضرب نامیده میشود (۱)

این عمل را بشماری یا ضرب گویند علامت بشماری (X)

است که بین دو عدد میگذارند .

۱ - ضرب دو عدد یکرقمی

برای دانستن این ضربها باید جدول ضرب را یاد گرفت .

(۱) نام یکه های حاصل ضرب همان نام یکه های مضروب ولی مضروب فیه

عدد مطلق است - برای اینکه بین مضروب و مضروب فیه اشتباه نشود همیشه

مضروب را دست چپ و مضروب فیه را دست راست بنویسید

قند و شکر بمبلغ ۲۷۷ ریال خرید میدانیم ۳۱ کیلو گرم آن شکر بود و بهای آن هم ۹۱ ریال بوده است معین کنید مقدار قند و بهای آنرا؟

تذکر - نه مساله فکری که بعمل جمع و تفریق بستگی دارد به عنوان نمونه در متن کتاب ذکر شد آموزگار مساله‌هایی نظیر آنها که مربوط به امور زندگی عادی باشد و بچه‌ها بتوانند تصور آنرا نمایند و در ضمن حل هر يك از آنها نکته‌یی از اصول زندگی را شامل باشد طرح خود هد کرد و برای حل بداش آموزان خواهد داد بدیهی است در موقع حل سعی خواهد نمود که کاملاً مساله و مطالب آنرا قبلاً بداش آموزان پیمایند.

مداد	مداد	نیمکت	نیمکت
$6 \times 1 = 6$	۱ شش تا میشود ۶	$5 \times 1 = 5$	۱ پنج تا میشود ۵
$6 \times 2 = ۱۲$	۲ شش تا میشود ۱۲	$5 \times 2 = ۱۰$	۲ پنج تا میشود ۱۰
$6 \times 3 = ۱۸$	۳ شش تا میشود ۱۸	$5 \times 3 = ۱۵$	۳ پنج تا میشود ۱۵
$6 \times 4 = ۲۴$	۴ شش تا میشود ۲۴	$5 \times 4 = ۲۰$	۴ پنج تا میشود ۲۰
$6 \times 5 = ۳۰$	۵ شش تا میشود ۳۰	$5 \times 5 = ۲۵$	۵ پنج تا میشود ۲۵
$6 \times 6 = ۳۶$	۰	$5 \times 6 = ۳۰$	۰
$6 \times 7 = ۴۲$	۰	$5 \times 7 = ۳۵$	۰
$6 \times 8 = ۴۸$	۰	$5 \times 8 = ۴۰$	۰
$6 \times 9 = ۵۴$	۰	$5 \times 9 = ۴۵$	۰
$6 \times 10 = ۶۰$	۱۰ شش تا میشود ۶۰	$5 \times 10 = ۵۰$	۱۰ پنج تا میشود ۵۰

دوات	دوات	کتاب	کتاب
$8 \times 1 = ۸$	۱ هشت تا میشود ۸	$7 \times 1 = ۷$	۱ هفت تا میشود ۷
$8 \times 2 = ۱۶$	۲ هشت تا میشود ۱۶	$7 \times 2 = ۱۴$	۲ هفت تا میشود ۱۴
$8 \times 3 = ۲۴$	۳ هشت تا میشود ۲۴	$7 \times 3 = ۲۱$	۳ هفت تا میشود ۲۱
$8 \times 4 = ۳۲$	۰	$7 \times 4 = ۲۸$	۰
$8 \times 5 = ۴۰$	۰	$7 \times 5 = ۳۵$	۰
$8 \times 6 = ۴۸$	۰	$7 \times 6 = ۴۲$	۰
$8 \times 7 = ۵۶$	۰	$7 \times 7 = ۴۹$	۰
$8 \times 8 = ۶۴$	۰	$7 \times 8 = ۵۶$	۰
$8 \times 9 = ۷۲$	۰	$7 \times 9 = ۶۳$	۰
$8 \times 10 = ۸۰$	۱۰ هشت تا میشود ۸۰	$7 \times 10 = ۷۰$	۱۰ هفت تا میشود ۷۰

برای آسانی این جدول ها را بخاطر بسپارید (۱).

سبب	سبب	گردد	گردد
$2 \times 1 = 2$	۱ دوتا میشود ۲	$1 \times 1 = 1$	۲ یکی میشود ۱
$2 \times 2 = 4$	۲ دوتا میشود ۴	$1 \times 2 = 2$	۱ یکی میشود ۲
$2 \times 3 = 6$	۳ دوتا میشود ۶	$1 \times 3 = 3$	۳ یکی میشود ۳
$2 \times 4 = 8$	۴ دوتا میشود ۸	$1 \times 4 = 4$	۴ یکی میشود ۴
$2 \times 5 = 10$	$1 \times 5 = 5$
$2 \times 6 = 12$	$1 \times 6 = 6$
$2 \times 7 = 14$	$1 \times 7 = 7$
$2 \times 8 = 16$	$1 \times 8 = 8$
$2 \times 9 = 18$	$1 \times 9 = 9$
$2 \times 10 = 20$	۱۰ دوتا میشود ۲۰	$1 \times 10 = 10$	۱۰ یکی میشود ۱۰

میز	میز	آلر	آلر
$4 \times 1 = 4$	۱ چهارتا میشود ۴	$3 \times 1 = 3$	۱ سه تا میشود ۳
$4 \times 2 = 8$	۲ چهارتا میشود ۸	$3 \times 2 = 6$	۲ سه تا میشود ۶
$4 \times 3 = 12$	۳ چهارتا میشود ۱۲	$3 \times 3 = 9$	۳ سه تا میشود ۹
$4 \times 4 = 16$	۴ چهارتا میشود ۱۶	$3 \times 4 = 12$	۴ سه تا میشود ۱۲
$4 \times 5 = 20$	۵ چهارتا میشود ۲۰	$3 \times 5 = 15$
$4 \times 6 = 24$	$3 \times 6 = 18$
$4 \times 7 = 28$	$3 \times 7 = 21$
$4 \times 8 = 32$	$3 \times 8 = 24$
$4 \times 9 = 36$	$3 \times 9 = 27$
$4 \times 10 = 40$	۱۰ چهارتا میشود ۴۰	$3 \times 10 = 30$	۱۰ سه تا میشود ۳۰

(۱) هر يك از این جدولها را ممکن است در مدت چند روز وسیله مثالهای

علی و محسوس آموخت

- ۲ - يك كوسفند در سال ۲ كيلو گرم پشم ميدهد معين كنيد از يك كله كوسفند كه ۳۴۵ كوسفند دارد در سال چه قدر پشم بدست مي آيد؟
- ۳ - در نگاهي روزي ۴۷ من نان خورده ميشود و ميدانيم نان مني ۹ ريال است معين كنيد بهاي نان را در يك روز؟ (۱)
- ۴ - كتابي ۱۲۵ صفحه دارد ۶ كتاب شبيه به آن چند صفحه دارد؟
- ۵ - در ۹ كتابچه ۲۴ صفحه اي چند صفحه هست؟
- ۶ - خانوايي در سال ۴۷۵ من هيرم و ۱۹۰ من زغال لارم دارد اگر هيزم مني ۱ ريال و زغال مني ۳ ريال باشد بهاي هيزم و زغال اين خانواده در سال چقدر است؟ (۱)
- ۷ - يك توب چلوار ۴۲ متر است و هريك متر آن ۸ ريال ارش دارد معين كنيد بهاي يك توب چلوار را؟ (۱)
- ۸ - كتابي ۲۷۶ صفحه دارد و در هر صفحه ۹ سطر خط درشت و ۲ سطر خط رير نوشته شده معين كنيد رويهم رفته در اين كتاب چند سطر نوشته شده است؟
- ۹ - يك نفر در روز ۲ بطري آب مي نوشد و ۱۰ بطري آب براي پاكيزگي خود لازم دارد پس روي هم در ماه چند بطري آب مصرف ميكند؟ (ماه ۳۰ روز است)

متر - كيلو گرم - ريال - ماه روز سال

متر - نو آموزان ديده اند كه پارچه فروش يك ميله فلري دارد كه با آن پارچه ها را اندازه ميگيرد اين ميله فازی معمولاً نيم متر است دوتای آن ميشود ۱ متر

قلم	قلم	قلم	قلم
$9 \times 6 = 54$	۶ نه تا میشود ۵۴	$9 \times 1 = 9$	۱ نه تا میشود ۹
$9 \times 7 = 63$	۷ نه تا میشود ۶۳	$9 \times 2 = 18$	۲ نه تا میشود ۱۸
$9 \times 8 = 72$	۸ نه تا میشود ۷۲	$9 \times 3 = 27$	۳ نه تا میشود ۲۷
$9 \times 9 = 81$	۹ نه تا میشود ۸۱	$9 \times 4 = 36$	۴ نه تا میشود ۳۶
$9 \times 10 = 90$	۱۰ نه تا میشود ۹۰	$9 \times 5 = 45$	۵ نه تا میشود ۴۵

تمرین - در هر يك از ضرب های بالا بگوئید .

۱ - مضروب کدام است ؟ ۲ - مضروب چند دفعه تکرار میشود ؟

۳ - حاصل ضرب کدام است ؟ ۴ - یکبار حاصل ضرب و یکبار مضروب چیست ؟

۴ - ضرب عدد يك رقمی در عدد چند رقمی

مسئله - در ساختمانی ۳۵ کارگر کار میکنند و مزد روزانه هر يك

۸ ریال است روی هم در روز چند ریال مزد میگیرند ؟

۵۳	یا	ریال	ریال
$\times 8$		$8 \times 35 = 280$	
۲۸۰			

عدد ۸ را زیر عدد ۳۵ مینویسیم و زیر آن يك خط افقی میکشیم

و میگوییم ۸ پنج تا میشود ۴۰ - ۰ را مینویسیم و ۴ دهه را بخاطر

میسپاریم که حاصل ضرب بعد بیفزاییم .

۸ سه تا میشود ۲۴ و با ۴ (که بخاطر سپرده بودیم) می شود

۲۸ عدد ۲۸ را در سمت چپ رقم یکان مینویسیم حاصل ضرب میشود ۲۸۰

تمرین - این ضربها یا بشماربها را انجام دهید

140×7	129×3	500×1	5×142	47×6
----------------	----------------	----------------	----------------	---------------

مسئله ها ۱ - يك سال ۱۲ ماه دارد ۶ ماه اول هر يك ۳۱ روز

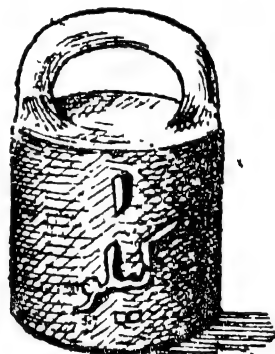
۵ ماه بعد هر يك ۳۰ روز ماه آخر ۲۹ روز دارد پس نكسال چندروز دارد ؟

۲۷ متر دیوار دوم ۲۵ متر دیوار سوم ۱۸ متر و دیوار چهارم ۱۷ متر میباشد معین کنید درازای چهار دیوار روی هم چقدر است؟

۲ - شخصی از تهران بتجربیش رفت و از تجربیش بطهران آمد معین کنید چند کیلو متر راه رفته (از تهران تا تجربش ۱۴ کیلو متر است).

کیلو گرم - وقتی میخواهند نان - گوشت قند - شکر زغال - هیزم - گندم - برنج و روغن بفروشند آنها را وزن میکنند یعنی آنها را در يك کفه ترازو گذاشته و در کفه دیگر قطعه فلزی

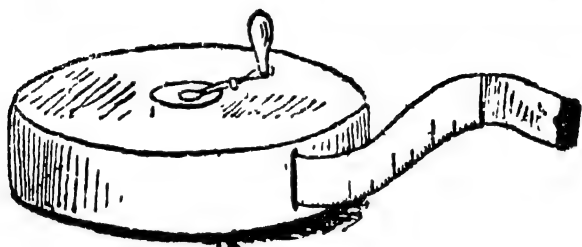
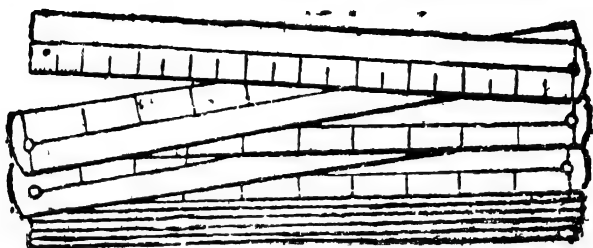
که نام آن ورنه است میگذارند ورنه ها که وسیله اندازه گرفتن این وزن چیزها میباشد ۱ کیلو گرم و ۲ کیلو گرم و ۳ کیلو گرم یا نیم کیلو گرم است که روی هر يك وشمه شده است.



مسأله - چهار تا ارکتهای درسی شما يك کیلو گرم وزن دارد چند تا از این کتابها ۲ کیلو گرم، ۵ کیلو گرم وزن، ۱۰ کیلو گرم وزن دارد؟ پول - ریال - نو آموزان دیده اند وقتی پدر یا مادر آنها چیزی میخرند بهای آنها میدهند بهای چیزها با پول داده میشود پول دو قسم است فلزی کاغذی

روی پولهای کاغذی که اسکناس باشد بهای آن نوشته شده مثلاً اسکناس پنج ریالی و ده ریالی و بیست ریالی و پنجاه ریالی و صد ریالی

متر بشکلهای دیگر هم پیدا میشود گاهی بشکل نوار پارچه‌یی گاهی
بشکل ده قطعه فلزی مساوی که نوک‌های آنها بهم متصل است



پارچه را با متر اندازه میگیرند اما متر دراز او پهنای اطاق و حیاط را اندازه
میگیرند مثلاً میگویند درازای اطاق ۶ متر و پهنای آن ۴ متر است.
۱۰۰۰ متر برابر يك كيلو متر است - برای اندازه گرفتن درازای
جاده‌ها كيلو متر بکار میرود میگویند از طهران تا تبریز ۱۴
كيلومتر است.

تمرین - در روی تخته سیاه خطی بدرازای يك متر بکشید :

۱- خطوطی که مانند يك متر و یا تقریباً يك متر باشند نظر آن‌ها مقایسه کنید

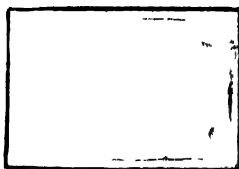
۲- خطوط دیگری را که تقریباً ۲ یا ۳ برابر آن باشد نیز نظر آن‌ها

مقایسه بکنید و اندازه آن را بگیرید

پس از گرفتن این اندازه‌ها با یکی از اقسام متر اندازه بگیرید و

معلوم کنید تا چه اندازه نظرتان درست بوده.

مسئله‌ها - حیاط ما چهار دیوار دارد درازای دیوار اول...



دراز

گویند شکل قالی و قالیچه و
روی میزی و کف اطاق و بعضی در
و پنجره ها بشکل راستکوشه
است راستکوشه چهار پهلو

دارد که دو دلو روی هم قرار دارند و با هم برابرند پهلوی دراز تر
را درازا و پهلوی کوتاه تر را پهنای راستکوشه نامند.



شکلی را که سه پهلو و سه گوشه دارد
مثلث یا سه گوشه گویند.

پولهای فلزی نیم ریالی یا ده دیناری گرد میباشند و چنین



شکلهای گرد را دایره نامند - لبه استکان یا
دوری و بشقاب دایره است روی زمین یا روی
کاغذ با آسانی میتوان هایره کشید و اسبابی را
که با آن روی کاغذ هایره میکشند پرگار
نامند.



تذکر - آموزگار باید در کلاس بوسیله فیچی از کاغذ شکلهای مربع و
مربع مستطیل و مثلث و دایره را بریده و هر يك را نشان بدهد و همچنین راه
رسم کردن هر يك را روی تخته سیاه و یا بر صفحه کاغذ یاد بدهد.

و بانصد ریالی و هزار ریالی .

روی پولهای فلزی که قطعه های گرد و کوچک می باشند نیز
پولهای هر يك نوشته شده پولهای فلزی کمتر از ۱ ریال عبارتند از :

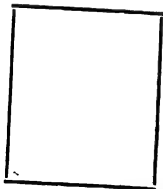
سیم ریال یا پنجاه دینار - ۱۰ دینار - ۵ دینار .

وقت یا زمان و سال و ماه و روز - سال ۱۲ ماه دارد ۶ ماه
اول سال ۳۱ روز پنج ماه بعد هر يك ۳۰ روز و ماه آخر ۲۹ روز دارد
سال به چهار فصل تقسیم میشود . بهار و تابستان و پاییز و زمستان
در هر فصل سه ماه است نام ماههای سال عبارت است از فروردین اردیبهشت
و خرداد و تیر و مرداد و شهریور و مهر و آبان و آذر و دی و بهمن و اسفند
هر هفت روز را یک هفته گویند و نام روزهای هفته عبارت است
از شنبه و یکشنبه و دوشنبه و سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه
و آدینه یا جمعه

در هر شبانه روز (و با فاصله بین دو طلوع آفتاب) ۲۴ ساعت است
در هر یک ساعت ۶۰ دقیقه و در یک دقیقه ۶۰ ثانیه موجود است (۱)
سال شروع میشود از نوروز که روز اول سال ما ایرانیها و
ابتداء بهار میباشد

کشیدن و شناختن اشکال هندسی ساده

همه میدانیم که کف حیاط و دالان با آخر فرش شده رویه آخرها
را مربع گویند مربع چهار پهلو دارد که
با هم برابرند ما می توانیم داسانی از کاعد
یا تخته و مقوا مربع بسازیم



رویه بدنه آخر با حلد کتان را مربع مستطیل یا راست گوشه

(۱) شناختن وقت را از روی ساعت عملا یاد بدهند .

فهرست

شماره ترتیب	صفحه	شماره ترتیب	صفحه
۱ - نخستین روز درس	۲	۲۳ - برف بازی	۴۹
۲ - مغازه خواربار فروشی	۴	۲۴ - برف آمد و برف آمد	۵۲
۳ - غذای لذیذ	۷	۲۵ - خاله	۵۴
۴ - میز غذا را من میچینم	۸	۲۶ - دهکده	۵۶
۵ - صداهای کوچه و خیابان	۱۰	۲۷ - مهر مادر	۵۹
۶ - سه دزد	۱۲	۲۸ - عید نوروز	۶۳
۷ - زمین و آسمان	۱۳	۲۹ - گوزن	۶۵
۸ - دسته پاکیزگان	۱۶	۳۰ - آشیانه کلاغ	۶۸
۹ - در راه دبستان	۱۷	۳۱ - کلاس درس	۷۱
۱۰ - چراغ	۲۰	۳۲ - من لوییا میکارم	۷۳
۱۱ - کنار حوض مرو	۲۲	۳۳ - قصه دانه گندم	۷۵
۱۲ - مداد	۲۳	۳۴ - دبستان	۷۷
۱۳ - خاور و باختر	۲۶	۳۵ - کیخسرو در دوره کودکی	۸۰
۱۴ - چوپان دروغگو	۲۹	۳۶ - کوچه و خیابان	۸۱
۱۵ - شمال و جنوب	۳۱	۳۷ - بز و بزغاله	۸۳
۱۶ - درودگری	۳۴	۳۸ - سبزیکاری	۸۵
۱۷ - جانوران	۳۶	۳۹ - چیدن آلالو	۸۷
۱۸ - تقسیم يك گردو	۳۸	۴۰ - اسب رستم	۹۰
۱۹ - شب و روز	۴۰	۴۱ - مسلمانان	۹۲
۲۰ - موش و تله	۴۳	۴۲ - اصول دین و مذهب	۹۳
۲۱ - خر در پوست شیر	۴۵	۴۳ - فروع دین	۹۴
۲۲ - چهار فصل	۴۷	۴۴ - ترجمه و ترتیب نماز	۹۶

شماره ترتیب	صفحه	شماره ترتیب	صفحه
حساب		۱ - شماره زبانی و نوشتنی	۲
		۲ - افزایش یا اجمع	۸
۳ - کاهش یا تفریق	۱۱	۵ - متر - کیلو گرم - ریال ماه و سال	۲۱
۴ - بشماری یا ضرب	۱۷	۶ - اشکال هندسی ساده	۲۴